

توقیف گسترده نشریات از سوی دادگستری و استناد به قانون اقدامات تأمینی و تربیتی

شماره ۷۹-۲۰۸۱

تاریخ ۱۳۷۹/۳/۲

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام:

پیرو نامه مورخ ۷۹/۳/۱ که به صورت دست‌نویس در ارتباط با لایحه جرم سیاسی خدمتتان ارسال شد و به مسأله برخورد دادگستری با مطبوعات و توقیف آن‌ها نیز که در نامه مورخ ۷۹/۲/۱۱ حضرت عالی به معاونت حقوقی ریاست جمهوری رسیدگی به آن خواسته شده بود، نیز اشاره‌ای گردید، اینک نظر هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی که با مشاوره با اعضاء هیأت و نیز نظر مشورتی کارشناسان معاونت حقوقی و همچنین به طور غیررسمی با تبادل نظر با بعضی از اساتید حقوق فراهم آمده، به شرح زیر خدمتتان ارسال می‌گردد:

۱- اقدام اخیر دادگستری در رابطه با مطبوعات - همان‌طور که مستحضرید در تاریخ‌های ۴، ۵، ۸ و ۷۹/۲/۲۷ از سوی برخی از شعب دادگاه‌های دادگستری تهران طی ابلاغیه‌هایی خطاب به مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دستور توقیف تعدادی از روزنامه‌ها و نشریات صادر شده است و مستند قانونی این اقدام بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ ذکر شده. البته از لحاظ ماهوی به مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ نیز که مربوط به محدودیت‌های مطبوعات می‌شود اشاره شده است.

این‌که دادگاه‌های رسیدگی‌کننده بالجمله مستند قانونی اقدام خود در توقیف مطبوعات را بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر قرار داده‌اند نشان می‌دهد که از نظر دادگاه در قانون مطبوعات یا قانون خاص دیگری مجوزی برای این

GD000426

اقدام محدود کننده وجود نداشته و یا به نظر قضات دادگاه نرسیده است. این مطلب که دادگاه می‌تواند قبل از بررسی و تحقیق و اخذ مدارک مسؤولین نشریات، براساس شکایات واصله به استناد دو ماده سابق‌الذکر دستور توقیف نشریات را برای مدت نامحدود صادر کند قویاً محل تأمل است. قبل از پرداختن به بیان این موضوع، تذکر این نکته را و توجه به آن را لازم می‌دانم که طبق اصل و عرف مسلم در حقوق جزا این است که صدور هرگونه حکم به مجازات یا تصمیم سالب آزادی و محدود کننده باید براساس قانون باشد و قانون نیز به طور مضیق و حتی الامکان به نفع متهم تفسیر می‌شود. از سوی دیگر وقتی اصل ۱۶۸ قانون اساسی تصریح می‌کند که جرایم مطبوعاتی باید با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود و ماده ۳۲ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۲ می‌گوید: به جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود؛ اصولاً بدین منظور است که جرایم مقرر در مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات و سایر مواد و قوانین باید ابتدا در معرض قضاوت هیأت منصفه قرار گیرد و اگر آنان عمل ارتكابی را جرم دانستند، آن‌گاه دادگاه مجازات قانونی و اقدامات سالب آزادی یا محدود کننده را مطابق قانون اعمال نماید توقیف نشریه قبل از رسیدگی موضوع در هیأت منصفه و اظهار نظر آن هیأت در موارد بسیار محدودی در قانون مطبوعات آن هم برای مدت کوتاه مجاز دانسته شده است. البته در اصلاحیه قانون مطبوعات مصوب فروردین ماه ۱۳۷۹ که در تاریخ ۷۹/۲/۱۱ در روزنامه رسمی منتشر شده اختیاراتی به هیأت نظارت بر مطبوعات برای توقیف نشریات به لحاظ تخلف از مقررات ماده ۶ داده شده است.

۲- به هرحال تصمیم دادگاه بر توقیف تعدادی از نشریات براساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی که به خصوص قبل از زمان حکومت قانون جدید اصلاحی مطبوعات صادر شده موجه به نظر نمی‌رسد زیرا:

اولاً بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که از جمله وظایف و مسؤولیت‌های کلی قوه قضاییه را: اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین می‌داند، در مقام بیان تدابیری است که باید قوه قضاییه در برنامه کاری خود بپنداشد و این مفهوم کلی

نمی‌تواند مجوز و مستند دادگاه برای بازداشت افراد یا توقیف نشریه باشد. دادگاه باید براساس مقررات قانون مدون عادی در موارد خاص مطروحه حکم صادر کند و حکم کلی مقرر در قانون اساسی نمی‌تواند مستند صدور حکم برای دادگاه باشد، اگر چنین بود هر دادگاهی می‌توانست به حکم بند ۴ همین اصل قانون اساسی که کشف جرم و تعقیب و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام، به عهده قوه قضاییه گذاشته شده، مجازات حد و تعزیر برای مجرمین صادر نماید در حالی که تا قانون عادی حدود و قصاص و دیات و تعزیرات از تصویب مجلس شورای اسلامی نگذشت، دادگاه‌های دادگستری به استناد این بند از قانون اساسی به خود اجازه نمی‌دادند حکم به مجازات از نوع حدود و تعزیرات بدهند (جز دادگاه‌های انقلاب در اوایل انقلاب که قبل از قانون اساسی ایجاد شده و طبق آیین‌نامه خاص خود عمل می‌کردند). طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی تشکیل دادگاه و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است که قطعاً منظور از این قانون، قانون عادی است و بنابراین به موجب این اصل قانون اساسی، هیچ دادگاهی بدون این‌که تشکیل و حدود صلاحیت آن به وسیله قانون عادی تعیین شده باشد نمی‌تواند به استناد خود قانون اساسی و وظایف مقرر برای قوه قضاییه در قانون اساسی تصمیماتی اتخاذ نماید. حتی دادگاه نمی‌تواند به استناد اصل ۲۸ قانون اساسی که شکنجه را جرم و متخلف را مستوجب مجازات دانسته به استناد این اصل محاکمه و مجازات نماید بلکه باید قانون عادی که در راستای اجرای قانون اساسی تنظیم می‌شود شکنجه را جرم بداند و مجازات آن را تعیین کند تا دادگاه براساس آن قانون رسیدگی و حکم به مجازات بدهد، ذیل اصل ۲۸ می‌گوید: متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به اصل ۲۷ قانون اساسی که اصل را برائت قرار داده و اصل ۲۶ که حکم به مجازات و اجرای آن را تنها به وسیله دادگاه صالح و با حکم قانون مجاز می‌داند و اصل ۲۴ که اصل را بر آزادی مطبوعات دانسته مگر این‌که با تفصیلی که در قانون ذکر می‌شود مطالب مخلّ مبانئ اسلام یا حقوق عمومی نشر دهند و اصول ۲۲ و ۲۳ قانون اساسی اتخاذ هرگونه تصمیم و حکم سالب آزادی و محدود کننده و مجازات باید مبتنی و مستند بر قانون عادی مصوب

مرجع قانون‌گذاری باشد و با استناد به مفاهیم کلی قانون اساسی نمی‌شود حکم به مجازات و محدودیت صادر نمود. صدور حکم با این استناد از سوی دادگستری تا آنجا که به نظر ما می‌رسد نوعی خرق عادت و حداقل مغایر با فهم متعارف عمومی حقوقدانان است.

ثانیاً استناد به ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی مصوب سال ۱۳۳۹ نیز قابل توجیه به نظر نمی‌رسد زیرا اساساً شأن نزول قانون مزبور و مقررات مواد دیگر آن بگونه‌ای است که نمی‌تواند با تخلفات مطبوعاتی سازگار و در مورد آن قابل اجرا باشد. قانون اقدامات تأمینی مشتمل بر سه فصل است: فصل اول کلیات، در ذیل این فصل در ماده ۱ اقدامات تأمینی بدین صورت تعریف شده است: اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد اعم از این که قانوناً مسؤول باشند یا غیر مسؤول (یعنی مثل دیوانه باشد که قانوناً مسؤول نیست ولی ممکن است در معرض ارتکاب جرم باشد). صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد.

فصل دوم: تحت عنوان: اقسام اقدامات تأمینی است در این فصل تحت دو عنوان: الف و ب اقدامات تأمینی سالب آزادی که ناظر به نگاهداری مجانین و مجرمین به عادت در تیمارستان و تبعیدگاه و نظایر آن‌هاست و اقدامات تأمینی محدود کننده آزادی که ممنوعیت از اشتغال به کسب یا شغل معینی و اقامت در محل معین و امثال آن‌هاست. و فصل سوم با عنوان بند ج اقدامات تأمینی مالی و غیره ذکر شده است ماده ۱۲ ذیل این عنوان مقرر می‌دارد: اقدامات تأمینی مالی و سایر اقدامات تأمینی عبارتند از: ۱- ضبط اشیاء خطرناک، ۲- ضمانت احتیاطی، ۳- بستن مؤسسه، ۴- محرومیت از حق ابوت و قیمومت و نظارت ۵- انتشار حکم

۳- مواد بعدی در واقع در مقام تبیین هریک از این بندهاست.

۴- ماده ۱۳ در مقام تبیین بند اول ماده ۱۲ مقرر می‌دارد: اشیایی که آلت ارتکاب جرمی

بوده و یا این که در نتیجه جرم حاصل شده باشد در صورتی که وجود آن‌ها موجب تشویش اذهان یا مخل نظم عمومی یا آسایش مردم باشد برحسب تقاضای دادستان و حکم دادگاه جنحه دستور ضبط آن‌ها صادر می‌شود ولو آن که هیچکس را نتوان تعقیب یا محکوم نمود دادگاه حق دارد دستور دهد که اشیاء ضبط شده را از دسترس عموم خارج کرده و یا آن‌ها را نابود نمایند.

هر فهم متعارف حقوقی با ملاحظه مواد مختلف این قانون و عناوین فصول آن درمی‌یابد که ماده ۱۳ ناظر به جایی است که جرم اتفاق افتاده و وسیله مادی خارجی ملموس و وسیله ارتکاب جرم بوده و وجود این آلت مادی در دسترس مجرم یا دیگران ایجاد تشویق و نگرانی عموم می‌نماید و در این جاست که دادگاه می‌تواند آن را ضبط و از دسترس عموم خارج نماید صدور دستور بر توقیف نشریه و حکم به عدم انتشار آن که در واقع یک امر غیر مادی است به استناد این ماده با توضیحی که داده شد حقیقتاً دور از منطق حقوقی است و حیف است که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران برای توجیه قانونی بودن تصمیم به تعطیل جمعی نشریات قبل از رسیدگی و محاکمه به این مستندات ضعیف و غیرحقوقی متشبث شود.

در هر صورت به طور خلاصه به نظر می‌رسد با تأکیدی که قانون اساسی در اصل ۲۴ بر آزاد بودن نشریات در بیان مطالب نموده و عنایتی که اصل ۱۶۸ در همین راستا بر لزوم محاکمه جرایم مطبوعاتی به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه دانسته و این که قانون خاص مربوط به جرایم مطبوعاتی و چگونگی رسیدگی به آن‌ها و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها وجود دارد صدور دستور تعطیلی تعداد معتناهی از نشریات به عنوان دستور قضایی از سوی دادگاه قبل از محاکمه و اظهار نظر هیأت منصفه و خارج از موارد مقرر در قانون مطبوعات و با توجه به این که استناد به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی صحیح نیست، مغایر قانون اساسی به نظر می‌رسد. قطعاً ابراز این نظر به معنای صحه گذاشتن بر مشی و روش و نحوه عمل همه این نشریات نیست ولی مطلب مهم این است که حکومت اسلامی مبتنی بر قانون اساسی و قانونمند باید در برخورد با مخالفین و حتی معاندین به ویژه مخالفین

قلمی و فکری از طرق صحیح قانونی اقدام نمایید. به طریق احسن (جالد هم باتی می احسن) یا آنان مقابله کند.

جناب آقای رییس جمهور زبان حال و گاه زبان قال بسیاری از تحصیل کرده ها و افراد فهیمه اهل فکر و منصف و بی غرض و حتی دلسوز به حال ملک و ملت و اسلام و انقلاب این است که این روش کنونی برخورد با اهل قلم در شأن حکومت اسلامی نیست و بیم آن می رود که این ترتیب جلوی شکوفایی اندیشه بسیاری از متفکرین و اهل قلم غیرمخالف و به اصطلاح خودی ها را نیز بگیرد و لطمات زیادی به آینده فکری این ملت بزند و تاریخ قضاوت خوبی در مورد این دوره ننماید.

به هر صورت اگر مصلحت بدانید در ایفای مسؤلیت اجرای قانون اساسی تکرار لازم را به مراجع مربوطه بدهید.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و رییس هیأت پیکری
و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۱۹/۱۳۹۴۳

تاریخ ۱۳۷۹/۴/۴

ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیه الله هاشمی شاهرودی دامت برکاته

سلام علیکم؛

احتراماً به عرض می‌رساند تصویرری از نامه شماره $\frac{۱۳۷۹/۳/۴}{۱/۱۸۰}$ ریاست محترم جمهوری به انضمام نظریه شماره $\frac{۱۳۷۹/۳/۲}{۹/۷۹-۲۰۸۱}$ هیأت محترم پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و نیز تصویرری از نامه شماره $\frac{۷۴۲۴}{۷۹/۲/۲۸}$ معاونت محترم حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری که برای بنده ارسال شده بود دقیقاً مطالعه نموده و به شرح ذیل در این رابطه مطالبی را به عرض می‌رساند.

در خصوص رعایت قانون اساسی (برخورد مناسب با اقدام‌های مجرمانه مطبوعاتی برخی نشریه‌ها) عمده توضیحات هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون مذکور و گزارش معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، خدشه بر مستندات قانونی محاکم صادر کننده دستور توقیف انتشار و تأمل بر این معنی بود، که حکم مقرر در قانون اساسی، بدون قانون عادی مبین آن، نمی‌تواند مستند دادگاه‌ها قرار گیرد و صدور حکم به آن استناد نوعی خرق عادت و حداقل مغایر با فهم متعارف عمومی حقوقدانان است.

با استقبال از نظرات مخالف، ضمن این‌که از خواندن نامه و اظهار نظر آقایان استفاده کردم در عین حال خیلی متأسف شدم که چرا شخصیت‌هایی مانند آقای حسین مهرپور و دکتر افتخار جهرمی در این موضوع چنین استدلال‌هایی که جداً دور از شأن یک حقوقدان ورزیده و خوشنام است شده‌اند زیرا که.

آقایان محترم توجه دارند قانون مطبوعات وقتی تصویب و به مرحله اجرا درآمده داسیرایی وجود داشته، در آن زمان وقتی از روزنامه‌ای شکایت می‌شد آیا بازجویی و تحقیق با حضور هیأت منصفه می‌شد؟ مسلماً این چنین نبوده بلکه داسیرا کار تحقیق و

بازجویی و بررسی‌های اولیه را بدون حضور هیأت منصفه انجام می‌داد و پس از تنظیم کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، محکمه وقت رسیدگی تعیین و با حضور هیأت منصفه محاکمه انجام می‌شد و نهایتاً طبق قانون مبادرت به انشا رأی می‌نمود. راجع به توقیف موقت روزنامه‌ها در واقع اقدامی نظیر کارهایی که در دادسرای سابق انجام می‌شد صورت پذیرفته است پس نتیجه می‌گیریم که رسیدگی دو مرحله دارد:

الف - تحقیقاتی و مقدماتی که نیاز به حضور هیأت منصفه ندارد.
ب - محاکمه و صدور حکم که حتماً باید با حضور هیأت منصفه باشد.
در قسمت الف هر متهم و یا موضوعی که از طرف رئیس حوزه قضایی طبق مادتهای ۲ و ۳ آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ او شاکی به دادگاه داده شود دادگاه طبق قانون محاکم عمومی و انقلاب دو کار را رأساً انجام می‌دهد.

اول تحقیقات مقدماتی و بازجویی‌های لازم.
دوم محاکمه در حضور هیأت منصفه و اتخاذ تصمیم قانونی و صدور حکم.
در قسمت اول دادگاه مجاز است طبق ماده ۱۲۲ آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ نسبت به افراد قانونی صادر نماید و نیز مجاز است به مستفاد از ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ و ماده ۱۲ قانون اقدامات تأمینی نسبت به اشیاء و آلات و ادواتی که سبب ارتکاب جرم بوده‌اند توقیف موقت نماید این برداشت از اصل ۱۶۸ قانون اساسی که هرگونه محدودیت برای مطبوعات قبل از محاکمه که با حضور هیأت منصفه انجام می‌گیرد مجاز نیست خلاف ظاهر است چون لازمه‌اش این است که در قانون عادی هم نشود چنین محدودیتی به محاکم داده شود در حالی که در قوانین عادی داده شده است بلکه مفاد اصل ۱۶۸ تنها ناظر به کیفیت محاکمه مطبوعات است نه سایر اقدامات از قبیل تعقیب و احضار و سایر اقدامات قضایی که در قوانین دیگر به عنوان پیشگیری و یا تعقیب و یا هر نوع وظیفه دیگری که در اختیار دادستان و یا دادگاه قرار گرفته است.

در صفحه ۲ به نقل از قانون اساسی آمده است (که هرگونه تصمیم و حکم سالب

آزادی و محدود کننده و مجازات باید مبتنی و مستند بر قانون عادی مصوب مرجع قانون‌گذار باشد) چنین به نظر می‌رسد که این برداشت نوعی تحریف در نقل از اصول قانون اساسی است زیرا آن‌چه در قانون اساسی آمده اصل ۳۳ است که می‌گوید (حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد) و در اصل ۳۲ نیز آمده است (هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند) خیلی روشن است که در هیچ‌یک از این دو اصل اشاره‌ای به لزوم عادی بودن قانون نیست بلکه قانونیت مجازات و اجرای آن را شرط می‌کند چه آن قانون عادی باشد و یا قانون اساسی مانند آن‌چه در اصل ۱۶۷ قانون اساسی آمده است.

در این‌جا مناسب است از آقایان محترم سؤال کنم مثلاً در موضوعی که واقعاً جرم است اما مجازات آن در قوانین عادی وجود نداشته باشد و یا قانون اجمال و مهمل باشد دادگاه حق دارد طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی به فتاوی معتبر فقهی مراجعه کند و سپس حکم مقتضی را صادر نماید یا خیر؟

در حالی که این اصل صراحتاً قاضی را مکلف می‌کند که باید به فتاوا و منابع معتبر فقهی مراجعه کند آقایان محترم از این اصل چه جواب می‌دهند؟ گرچه هنوز حکمی صادر نشده است تا مستند آن مورد شک و تردید قرار گیرد، ما هم دقیقاً معتقد به مراعات قوانین اساسی و عادی در برخورد با متهمان هر جرمی هستیم. البته از آن هیأت نیز انتظار نیست که تعقیب جزایی منجر به تعطیلی چند نشریه را امری «مادی» برخورد با «اهل قلم» و «مانع شکوفایی اندیشه بسیاری از متفکرین و اهل قلم غیرمخالف به اصطلاح خودیها» و عملی خلاف شئون حکومت و مایه پیشداوری تاریخ از این دوره انگارند. همچنان که تعبیرات مرقوم، مانع از آن نخواهد شد تا دادگستری فارغ از نظریه‌های موافق یا مخالف اقدام خود یا بون توجه به رسالت مطبوعات، به وظایفی که بر حسن اجرای قوانین و از جمله قانون مطبوعات دارد، با ناقضان عهد و رعایت نکردگان حد و مرز قانون، براساس مقررات رفتار نکند.

قطعاً، با مرتکبان جرایم نوشتاری نیز، با موازین قانونی عمل خواهد شد و در جریان دادرسی‌ها، متهمان می‌توانند از وسایل تضمین و تدارک حق دفاع خود در برابر دادگاه‌ها

و در صورت محکومیت از اعتراض و تجدیدنظر آرا استفاده نمایند. تفاوت برداشت و استنباط مختلف از قوانین نیز که امری عادی است نباید موجب تخطئه تصمیمات یا بعد از آن محاکم و از اسباب مناقشه یا دست‌آویز ادعای نقض قانون اساسی و تذکر به رعایت آن گردد.

هیأت محترم پیگیری و نظارت، حتماً به وظایف تعقیبی رییس حوزه قضایی، به عنوان حافظ حقوق عمومی و ناظر بر اجرای قوانین و... مصرح در مواد ۴۹ قوانین اصول تشکیلات و دادگاه‌های عمومی انقلاب و سه آیین دادرسی مربوط، عنایت دارند. مقامی با چنان اقتدار قانونی، نمی‌تواند و نباید هم نسبت به آنچه در حوزه قضایی او و از جمله مطبوعات می‌گذرد، صرفاً ناظری بی‌تفاوت باشد آن‌هم در حدی که اخلال و تشکیک در مبانی و احکام دین و ارکان نظام یا تضییع حقوق عمومی مندرج در همان قوانین اساسی و مطبوعات را بنگرد ولی در سایه اصل آزادی مطبوعات...! ساکت بنشینند.

در نظر مقام مذکور و هر حقوقدان مسلم و منصف، مطبوعات مطلقاً آزاد نیستند تا با به طاق نسیان سپردن فصول دوم و چهارم قانونی که از نان و نمک آن ارتزاق می‌کنند به استناد آزادی بیان مطالب، هرچه را اراده کنند، در مقام تردید در مسلمات و توهین به مقدسات ترویج آزاد اندیشه‌هایی سخیف، القای شبهات در اذهان بنویسند.

شرع را رویه دیگر استبداد، حکومت مذهبی را عامل عقب ماندگی و خرافه پرستی و قرون وسطایی، ولی فقیه را فاقد مشروعیت سیاسی، حقوق بشر ادعایی را مقدم بر دین و قانون اساسی، جمهوریت را معارض اسلام و جمهوری اسلامی را از جنسیت شترمرغی، و ضد مردمی و بدتر از اینها طبع و نشر دهند و آن گاه ناشران چنان جرایم، در پناه آزادی قلم و بیان، از تعقیب مصون و کماکان به تکرار آن ادامه دهند.

قطعاً نمی‌توان چنان ابراز جرم آفرینی را با قلم و نگارشی که به آن‌ها سوگند یاد شده یا برتر از خون شهیدان، توصیف شده‌اند، هم سنگ دانست و تعقیب کتیفری صاحبان اقلام مسموم و قانون شکن و از خط قرمز هم گذشته را، نقض قوانین اساسی و مطبوعات، دور از شئون حکومت اسلامی دانست.

نسبت به موارد استناد دادگاه‌ها یا مرکز ثقل اسکان هیأت نیز، وقتی پذیرفتیم که

دادستان یا مقام جایگزین او، به عنوان قوهٔ بینایی جامعه و نماینده آن در محاکمات، نمی‌تواند و نباید هم راجع به مطالب هدفدار جراید و رسالت آن‌ها، بی‌توجه باشد و در هر صورت پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان نیز از وظایف قوه قضاییه است.

لاجرم باید بپذیریم که حداقل یکی از عوامل مؤثر در جلوگیری از بزه یا تجاوز به حقوق عمومی نیز، همان مقام تعقیب‌کننده جرایم یا متقاضی تدبیر تأمینی خواهد بود که با اقدام مناسب و به موقع می‌تواند جامعه را از التهاب جرایم تشنج‌زا و جنجال‌برانگیز، دور و مانع تکرار ناهنجاریها شود و این نه تنها مغایرتی با برنامه‌ها و طرح‌های دیگر و پیشگیرانه متصور ندارد که همگام با قوانین مورد اشکال آن هیأت خواهد بود. اصل ۱۵۶ ناظر بر قوانین عادی مورد اشاره، ناطق به چنین مواردی است.

هیأت محترم و حوزده معاونت حقوقی، عنایت دارند که جرم مطبوعاتی از جرایمی می‌باشد که وسیله در ارتکاب آن شرط است و به اعتبار قوه نفوذ و دایرهٔ تبلیغ و فریبندگی تصاویر مطالب جراید، تأثیر مستقیم آن‌ها بر روان و افکار و نقش انکارناپذیر آن در انحراف اذهان و تحریک در تهییج عواطف و احساسات و القای مفاهیم و گزارش‌های نادرست و مفسده‌انگیز، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. حال آن‌چه را که درج و نشر نشده، چنانچه کلاً بعضاً واجد عناوین جرمی و موجب تشویش اذهان و اخلال در نظم و آسایش عمومی تشخیص شود، طبعاً نشریه حاوی آن، به عنوان آلت وسیله ارتکاب و از اشیاء مذکور در ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ محسوب و قابل ضبط و خارج کردن از دسترس عموم خواهد بود و به ضرورت حمایت از جامعه و پیشگیری از جرایم بعدی می‌شود انتشار نشریه جرم‌زا را متوقف کرد، اتخاذ چنین تدبیر ملایم و تأمینی که جلوگیری جرایم احتمالی و صیانت‌کننده جامعه از التهاب است، با قوانین و فلسفه اقدامات تأمینی هماهنگ است و بنابراین استدلال مندرج در گزارش معاونت محترم حقوقی مبتنی بر «شماره‌های بعدی آن که هنوز منتشر نشده و تحقق جرمی در آن موضوعیت ندارد، اصولاً نمی‌تواند از مصادیق ماده (۱۳) محسوب گردد.» وارد به نظر نمی‌رسد زیرا، شماره‌های بعدی در صورت انتشار، دنباله و ادامه شماره‌های سابق‌اند و توقف انتشار آن در حیطه اقدامات مذکور است جدای بحث

اقدام‌های تأمینی اصولاً بیکرد جرائم مسئولان مربوط، به خاطر جرایم مستتر در شماردهای پیشین بوده که با خروج از مسیر قوانین امنیت جامعه را تهدید به مخاطره کرده‌اند و بعضاً نیز سابقه نبودادن حال، فرضاً که برداشت دیگری از این ماده باشد تا جایی که روزنامه و نشریه را از اشایی که آلت ارتکاب جرم مطبوعاتی اند ایزار جرم بنمایند، خنثی‌های به استنباط قضایی متفاوت دادگاه صادر کننده دستور توقیف که دارای تشخیص دیگری از قضیه بوده است، وارد نمی‌کند و امری است نظری که در هر صورت روش دادگاهها و رویه قضایی، تکلیف آن را معلوم خواهد کرد.

از همه مهمت این‌که اساساً هیأت محترم نظارت و پیگیری بر اجرای قانون اساسی، حق نظارت بر تخلف دستگاه‌های اجرایی کشور را ندارد تا چه رسد به احکام قضایی که از مراجع قضایی طبق قانون صادر می‌شود، این قبیل دخالتها خود بزرگترین تخلف و انحراف از قانون اساسی محسوب می‌شود، زیرا که در اصل ۱۷۴ قانون اساسی حق نظارت بر حسن اجرای قوانین در دستگاه‌های اجرایی بر عهده سازمان بازرسی کل کشور که زیر نظر ریاست محترم قوم قضاییه اداره می‌شود گزارده است و در اصل ۱۶۱ حق نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم را به عهده دیوان عالی کشور و در قوانین عادی نیز به عهده دادسرای انتظامی قضات دانسته است چنین به نظر می‌رسد وظیفه هیأت مذکور مربوط به اصول اجرا بنقده قانون اساسی مانند اصل مربوط به شوراها و دادن گزارش به رئیس محترم جمهوری جهت اقدام و احیای آن باقید اما اصولی که اجرا شده و دستگاهها و نهادهای مربوط به آن شکل گرفته و تحقق پیدا کرده و قوانین عادی مربوطه در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است کلاً خارج از اختیارات این هیأت می‌باشد، اینجانب از جناب مستطاب عالی می‌خواهم که جلو این‌گونه دخالت‌های بی‌مورد را که خلاف قانون و خلاف عرف و شرع است بگیریید خیلی جای تعجب است که دادگستری تهران در راستای وظایف قانونی خود و با متخلفین برخورد قانونی نموده آن‌گاه افراد تحت عنوان جمله حق (هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی) بدون مجوز قانونی وارد موضوع شده و دخالت در امر قضاء می‌نمایند بر فرض این‌که نظر و فهم حقوقدان از این ماده و غیره برخلاف نظر مدعی‌العموم و با قاضی دادگاه

باشد بدون شک این نظر از هیچ اعتبار قانونی برخوردار نیست زیرا که به حکم قانون اساسی و شرع مقدس اسلام قاضی از استقلال قضایی برخوردار بوده و رأی و نظر و فهم خودش را باید اعمال کند (اصل ۱۶۷ قانون اساسی) و در صورت شکایت از قاضی تنها دادگاه تجدیدنظر و یا دیوان عالی کشور در صورت تشخیص اشتباه قاضی حق نقض آن را دارند.

جناب آقای مهرپور، مگر خود شما در شکواییه‌ای به تاریخ ۷۸/۷/۲۱ به شماره ۱۲۴/۱۰۰۱۹ راجع به نشریه پنجشنبه‌ها به صاحب امتیاز مدیر مسئول خانم ژاله اسکویی خطاب به دادگاه مطبوعات تقاضای توقیف نشریه را قبل از محاکمه و اخذ نظر هیأت منصفه نفرموده بودید و دادگاه به این درخواست پاسخ مثبت داد و عمل کرد نظر مبارک شما در آن تاریخ چنان و نظریه جناب عالی در این تاریخ چنین این دو نظریه در یک موضوع مشابه چه توجیهی دارد.

به هر حال چون هنوز رأیی در ماهیت صادر نگردیده بنابراین موردی برای انجام پیشنهاد مندرج در گزارش معاونت حقوقی (اعمال تبصره ۱ ماده ۲۲۵ قانون مورد اشاره) نمی‌باشد.

در گزارش ایشان بحث‌هایی شعارگونه و خطابی دیگر در حمایت از روزنامه‌های به حسب ظاهر متخلف و اقدامات قانونی دادگستری تهران به چشم می‌خورد که از پاسخ به آن‌ها خودداری می‌شود. والسلام

علیزاده

رییس کل دادگستری استان تهران

شماره ۷۹-۲۱۶۷
تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۵

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی
ریاست محترم جمهوری

با سلام
عطف به نامه شماره ۱۱۱۳۰-س مورخ ۷۹/۴/۱۴ حسب الامر حضرت عالی تصویر
نامه شماره ۱۹/۱۳۹۴۳ مورخ ۷۹/۴/۴ رییس محترم دادگستری تهران که توسط ریاست
محترم قوه قضاییه خدمت شما ارسال شده بود در هیأت مورد ملاحظه و بررسی قرار
گرفت جهت اطلاع حضرت عالی مختصراً ملاحظیات هیأت به شرح زیر حضورتان اعلام
می‌گردد:

۱- چنان که مستحضرید هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مستقیماً به
قوه قضاییه اخطار و تذکری نداده است که شائبه دخالت در قوه قضاییه و احکام صادره
از آن و هتک حرمت حریح آن قوه مستقل محترم باشد، هیأت که وظیفه تبیین مطالب
مربوط به قانون اساسی و به خصوص اصل ۱۱۲ ناظر به مسؤلیت رییس جمهور در
اجرای قانون اساسی را دارد و در واقع، نقش مشورت دهی به رییس جمهور را ایفا
می‌کند، در پی خواست و ارجاع رییس جمهور نظر حقوقی خود را در ارتباط با توقیف
گستردہ و جمعی مطبوعات به رییس جمهور اعلام داشته است. رییس جمهور نیز طبق
ماده ۱۵ قانون حدود و ظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ که مقرر
می‌دارد: «به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رییس جمهور حق اخطار و
تذکر به قوای سه گانه را دارد»، اقدام به تذکر نموده است، به علاوه طبق مواد ۱۲ و ۱۴
همان قانون رییس جمهور وظیفه نظارت، پیگیری، بررسی و بازرسی از همه دستگاه‌ها و
قوا را در رابطه با نقض و یا عدم اجرای قانون اساسی دارد و می‌تواند از بالاترین مقامات
و دستگاه‌های مختلف حکومتی توضیح بخواهد و آن‌ها مکلفند پاسخ لازم را به او بدهند.

با این که تکرار مکرر است ولی برای یادآوری و جلب توجه بار دیگر ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر نقل می‌شود: «به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسؤول اجرای قانون اساسی است.» بنابراین: اولاً: هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، نظارتی بر قوه قضاییه اعمال ننموده و تذکری نداده است.

ثانیاً: تذکر رئیس‌جمهور طبق ماده ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی به عمل آمده و قانونی است. ثالثاً: این نوع تذکر و اخطار و پیگیری به معنای دخالت در قوه قضاییه تلقی نمی‌شود، و برای مزید اطمینان توجهتان را به نظر تفسیری شورای نگهبان مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۸ در رابطه با اخطار رئیس‌جمهور وقت به شورای عالی قضایی جلب می‌نمایم که اعلام داشتند: «رئیس‌جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ حق اخطار و تذکر را دارد و منافاتی با بند ۲ اصل ۱۵۶ ندارد.»

۲- اعضای هیأت هم می‌دانند که در سال ۱۳۶۴ که قانون مطبوعات تصویب شده داسرا وجود داشته و تحقیقات مقدماتی را داسرا انجام می‌داده، و احیاناً تصمیماتی هم اتخاذ می‌شده ولی محاکمه و صدور حکم با دادگاه بوده است و در حال حاضر طبق قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب داسرا وجود ندارد و تحقیقات مقدماتی نیز در خود دادگاه انجام می‌شود ولی در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ هم مبسوط الید بودن داسرا در صدور دستور توقیف نشریه آن هم، حتی قبل از بازجویی مقدماتی از مدیرمسئول نشریه، و یا دیگر مسئولان به چشم نمی‌خورد، حتی در قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۷۸ هم چنین تجویزی دیده نمی‌شود.

۳- نظر هیأت این بوده است که با توجه به مسلم بودن این امر در عرف حقوقی که در امور جزایی تصمیمات متخذه در مورد متهم باید بر مبنای نص قانون بوده و قانون نیز مضیق و حتی‌الامکان به نفع متهم تفسیر شود، استناد به اصول و مفاهیم کلی قانون اساسی و مقررات متشابه برای ایجاد محدودیت و صدور دستور توقیف موجه نیست،

آیا در هیچ اصلی از اصول قانون اساسی برای جرمی مجازات مشخصی پیش‌بینی شده است که در نامه ریاست محترم دادگستری آمده است معنی در استناد به قانون اساسی

نیست؟

۳- در نامه ریاست محترم دادگستری به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و این‌که قاضی می‌تواند در صورت اجمال و ابهام قانون یا تیرین قانون به فتاوی معتبر فقهی مراجعه کند و طبق فتوی حکم مقتضی صادر نماید اشاره شده است. اصل ۱۶۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد یا استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد.

صیوف‌نظر از بحث جدی حقوقی که در زمینه فقه و اصل ۱۶۷ وجود دارد و این‌که آیا تاغزای به دعوی حقوقی است یا شامل دعوی کیفری هم می‌شود، با مفروض دانستن شمول آن به دعوی کیفری ظاهراً استناد به این اصل در موضوع مانع فیه موردی ندارد زیرا:

اولاً: در قضیه توقیف مطبوعات همان‌طور که در نامه نیز آمده مسأله مربوط به تصمیمات مقدماتی قاضی در تحقیقات مقدماتی است و حکمی صادر نشده است، اصل ۱۶۷ در مقام صدور حکم می‌باشد.

ثانیاً: هیچ‌یک از قضاتی که دستور توقیف نشریات را داده‌اند به اصل ۱۶۷ استناد نکرده بلکه استنادشان به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۲ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی بوده است.

ثالثاً: اگر قاضی می‌خواست به استناد اصل ۱۶۷ دستور توقیف نشریه‌ای را بدهد می‌بایست فتاوی معتبری که طبق آن، این دستور را داده است بیان کند که طبعاً چنین کاری صورت نگرفته است.

۴- در نامه فوق‌الذکر آمده است در نظر هر حقوقدان مسلم و متصف مطبوعات آزاد نیستند به استناد آزادی بیان مطالب هرچه را اراده کننده در مقام تردید در مسلمات و

توهین به مقدسات... بیان کنند.

طبیعی است که مطبوعات در بیان مطالب مخل به مبانی اسلام و توهین به مقدسات و... آزاد نیستند ولی آیا درست است قبل از شنیدن دفاعیه و توضیحات متهم؛ اتخاذ تصمیم کرد و نشریه را برای مدت، نامعلومی توقیف نمود؟

ع در ارتباط با شکواییه مورخ ۷۸/۷/۲۱ به شماره ۱۲۴/۱۰۰۱۹ راجع به نشریه پنجشنبه‌ها نیز لازم است یادآوری نمود که نامه مزبور به امضای دبیر هیأت نظارت بر مطبوعات خطاب به دادگستری تهران نوشته شده است. با توجه به این که طبق ماده ۱۲ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ هیأت نظارت می‌تواند رأساً یا به درخواست وزیر ارشاد موارد تخلف نشریات را مورد رسیدگی قرار داده و در صورت لزوم تقاضای کتبی خود را به دادگاه صالح اعلام دارد، و نشریه پنجشنبه‌ها، تخلفاتی مخصوصاً در جهت نشر مطالب و یا عناوین خلاف عفت عمومی داشت و چند بار نیز به او اخطار شده بود و یک بار هم در دادگاه محکومیت پیدا کرده بود. هیأت نظارت وفق ماده ۱۲ قانون فوق‌الذکر از دادگاه درخواست تعقیب و رسیدگی و اتخاذ تصمیم مقتضی که از جمله وفق ماده ۲۸ قانون مزبور می‌تواند لغو پروانه باشد، نموده است. به نظر نمی‌رسد بین آن اقدام هیأت نظارت بر مطبوعات و این نظر مشورتی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی که برخی اعضای مشترک دارد تباینی وجود داشته باشد.

نکات فوق برای روشن شدن ذهن حضرت عالی اعلام می‌گردد، در عین حال اگر مصلحت می‌دانستید که این اظهارنظرها در معرض اطلاع دیگر صاحب نظران قرار گیرد، می‌شد از نظر حقوقی آنان نیز بهره گرفت و قضاوت بهتری نسبت به این موضوع مهم و حساس داشت.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۳۴۷۷
تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۹

جناب آقای شیخ
ریس محترم نهاد قوه قضاییه

با سلام
بازگشت به نامه شماره ۷۷۹/۴۴۰ مورخ ۷۹/۴/۸، به پیوست تصویر گزارش شماره ۷۹-۲۱۶۷ مورخ ۷۹/۴/۲۵ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، متضمن بی‌نوشته ریاست محترم جمهوری مبنی بر:

«حضرت آیه‌الله هاشمی شاهرودی

با سلام، توضیحات نسبتاً مبسوط هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی را تقدیم می‌دارم. آنچه در عرصه برخورد با مطبوعات (ولو متهم و مجرم که باید در دادگاه معلوم شود) پیش آمده است در تاریخ انقلاب حتی در دوران جنگ و اوج ترورها سابقه نداشته است. البته خدای را سپاسگزاریم که اقدام کنندگان می‌کوشند تا عمل خود را توجیه قانونی کنند و این یک گام به جلو است ولی این توجیحات تا چه حد موجه است و صاحب نظران را قانع می‌کند، مثل این که باید قضاوت آن را به خود صاحب نظران و عموم واگذاریم. به هر حال با معذرت مطمئن هستیم که درایت و تدبیر و خیرخواهی بزرگواری چون شما و حسن تفاهم موجود ان شاء الله سبب بهبود امور خواهد شد.»

جهت استحضار ریاست محترم قوه قضاییه ایفاد می‌گردد.

سیدمحمدعلی ابطخی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور
مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۱۹/۲۳۳۳۷

تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱۴

حضرت آیه الله هاشمی شاهرودی
ریاست محترم قوه قضائیه دامت برکاته

سلام علیکم؛

عطف به نامه شماره $\frac{۶۹۹۶/۷۹}{۷۹/۵/۲۴}$ م که به امضای ریاست محترم نهاد قوه قضائیه برای این جانب ارسال شده است و تصویری از نامه شماره $\frac{۷۹/۳۴۷۷}{۷۹/۴/۲۹}$ م ریاست محترم دفتر ریاست جمهوری و تصویر نامه شماره $\frac{۷۹/۲۱۶۷}{۷۹/۴/۲۵}$ م هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی ضمیمه آن بود واصل شد، به کرات مطالب آقای دکتر مهرپور را مورد مطالعه قرار داده که به شرح ذیل پاسخ آن را به استحضار حضرت عالی می‌رساند.

اولاً- بسیار جای خوش وقتی است که ابراز فرموده‌اند نظرشان دخالت نیست، بلکه از ناحیه ایشان صرف اظهار نظر حقوقی و از ناحیه ریاست محترم جمهوری صرف نظارت و تذکر می‌باشد.

با توجه به این که این روزها دخالت‌های بی‌مورد و بی‌حساب و کتاب در دستگاه قضایی دست‌اندرکاران را متأثر نموده و خوف خیلی از مسایل تازه آن می‌رود اقدامات جناب آقای مهرپور را باید ارج نهاد.

ثانیاً- مناسب می‌دانم مخاطب را جناب آقای مهرپور قرار دهم و سؤالاتی را از ایشان نمایم تا مسأله حقیقتاً روشن شود.

جناب آقای مهرپور - در نامه و اظهار نظر قبلی و نیز اظهار نظر فعلی شما دو مطلب مستفاد می‌شود.

اول - این که باید با مجرم طبق قانون برخورد شود.

دوم - این که مسئولین مطبوعاتی طبق قانون (اساسی و عادی) در دادگاه با حضور هیأت منصفه محاکمه و پس از آن مجازات شده و حکم سالب آزادی داده شود.

سوم - این که توقیف روزنامه‌ها قبل از محاکمه یا حضور هیأت منصفه و ثبوت جرم خلاف و امری غیر عادی و خرق عادت بوده و حقوق‌دان‌ها این اقدام را خلاف قانون می‌دانند.

چهارم - توقیف روزنامه قبل از محاکمه به استناد اصول قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون تأمین صحیح نیست چنین به نظر می‌رسد که اهم مطالب جناب آقای مهربور مطالب فوق باشد، در اینجا قبل از خوض و بررسی مسایل چند سؤال از جناب ایشان می‌شود.

اولاً - دادگستری تهران ادعا نکرده آن چه را انجام داده و می‌دهد مطابق حق و حقیقت و واقعیت می‌باشد بلکه معتقد است کوشش و مساعی و فهم خودش را به کار می‌گیرد و هر چه در توان دارد بذل می‌کند تا حقیقت را کشف نموده و عدالت را اجرا نماییم، در این راستا ممکن است بعضاً اشتباهاتی هم رخ دهد که در این صورت مقصر نیست و اصل

۱۷۱ قانون اساسی این معنی را متذکر شده است.

ثانیاً - جناب آقای مهربور، وجود محاکم بدوی و تجدید نظر و دیوان عالی کشور و آراء و حدت رویه و مواد ۱۸ قانون محاکم عمومی و انقلاب و ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ برای چه است؟ مگر برای این نیست که ممکن است حکمی بر خلاف قانون و شرع صادر شود، روزانه چه قدر از احکام در کشور به لحاظ این که خلاف قانون است نقض می‌شود و حکم خلاف آن از مرجع تجدید نظر صادر می‌شود مهم‌تر از همه رأی وحدت رویه است که در موضوع واحد در دادگاه بدوی احکام مخالف صادر می‌شود و دو شعبه از دیوان عالی کشور هم آن‌ها را تأیید می‌نمایند در این صورت این سؤال پیش می‌آید که بالاخره این موضوع یا جرم است و یا نیست چرا یکی معتقد به اعدام می‌شود و دیگری معتقد به تبرئه، بدین جهت است که در هیأت عمومی دیوان عالی مطرح می‌شود، هر چه مرجع مذکور نظر داد لازم‌الاتباع در موارد مشابه برای همه قضات کشور می‌شود. در عین حال هیچ یک از قضات در این گونه مسایل مؤاخذه نمی‌شوند چون اختلاف در برداشت حقوقی است بدین حساب اختلاف نظر در مسایل حقوقی امری عادی و متداول است.

ثالثاً - اصل ۱۶۷ قانون اساسی که قاضی را مکلف نموده اولاً حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیاید و در صورتی که پیدا نکرد با استناد به منابع معتبر اسلامی با فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید آیا به همین صورت قابل عمل است یا نیست اگر می شود به همین نحو عمل نمود پس شما چه می فرمایید، و اگر قابل استناد نیست پس این اصل تا حالا عمل نشده و معطل مانده است پس بر رییس جمهور محترم است که مانند اصل شورا که عمل نمی شد جناب ایشان آن را به مرحله اجرا درآوردند نسبت به اجرای آن اقدام فرمایید.

رابعاً - دادگستری تهران عقیده ندارد که توقیف موقت روزنامه ها قبل از محاکمه به معنی محکومیت قطعی آن هاست بلکه بارها اعلام کرده که توقیف موقت می شوند پس از آن تحقیقات مقدماتی انجام شده پس از تکمیل پرونده جلسه دادگاه با حضور هیأت منصفه تشکیل شده و نهایتاً دادگاه پس از اخذ نظر اعضای محترم هیأت منصفه مبادرت به صدور رأی می نماید و این حکم پس از رسیدگی به اعتراض و قطعی شدن لازم الاجرا و متبّع است چنین به نظر می رسد که در این ها اختلافی نباشد، آن چه موجب حرف است توقیف موقت قبل از محاکمه است.

در این جا از جناب عالی سؤال می شود آیا محاکم فقط روزنامه ها را قبل از محاکمه و ثبوت جرم توقیف احتیاطی و موقت می کنند یا موارد دیگری هم در محاکم در مقام عمل وجود دارد؟

حتماً استحضار دارید که موارد بسیاری همه روزه در کثیری از پرونده های کیفری و حقوقی وجود دارد که انسان ها و اشخاص موقتاً توقیف احتیاطی می شوند، ادوات جرم و اموال زیادی تا صدور حکم توقیف شده و حتی قبل از محاکمه و ثبوت جرم، آزادی آن ها سلب شده مانند منع خروج افراد از کشور و غیره، شخص جناب عالی و سایر حقوق دان ها نسبت به این موارد اعتراضی ندارید اما نسبت به توقیف احتیاطی روزنامه ها قبل از محاکمه حرف دارید، خواهید فرمود نسبت به موارد فوق قانون وجود دارد اما نسبت به روزنامه ها قانونی وجود ندارد تا به استناد آن اقدام شود.

در پاسخ عرض می کنم، فرض این است که قانون گذار حکیم است جملات و کلماتی را

که به کار می‌برد نسبت به جزء جزء آن، اطلاق، مقید، عام، خاص، و امثال آن‌ها عنایت دارد، به این حساب وقتی می‌گوید اشیاء و آلات و ادواتی که سبب ارتکاب جرم بوده‌اند، عرض بنده این است که هر چه به آن شیء و آلت و ادوات گفته شود اطلاق دارد و شامل همه موارد می‌شود از این نکته که بگذریم قانون‌گذار در مقام بیان مصادیق، بستن مؤسسه را نام می‌برد.

معنی مؤسسه چیست، آیا مؤسسه دیوانگان، مؤسسه شرورها، مؤسسه چاقو و دشنه، مؤسسه مجرمین خطرناک مثلاً صحیح است؟ یا مؤسسه روزنامه کیهان، مؤسسه روزنامه اطلاعات، مؤسسه روزنامه بهار، مؤسسه روزنامه صبح آزادگان؟ یا مؤسسه که نام آن در ماده ۱۲ قانون اقدامات تأمین آمده معنی اصطلاحی و لغوی خاص دارد جناب عالی پاسخ دهید. جالب توجه این که نمایندگان محترم مجلس ششم اخیراً طرحی با قید یک فوریت به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده‌اند و یک فوریت آن به تصویب نمایندگان محترم رسیده مبنی بر این که، از تاریخ تصویب این قانون مطبوعات از شمول مادتين ۱۲ و ۱۳ قانون اقدام تأمینی مصوب سال ۱۳۳۹ مستثنی باشد.

با این اقدام نمایندگان محترم پذیرفته‌اند که تا این تاریخ مطبوعات نیز مانند عموم موارد دیگر و بدون استثناء مشمول مقررات قانون اقدامات تأمینی بوده‌اند.

جناب آقای دکتر مهرپور - مایلم نظر مبارک را نسبت به ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ بدانم، بنده معتقدم مستفاد از ماده این است اموال و اشیایی که دلیل یا وسیله جرم بوده در زمان قدیم بازپرس یا دادستان و در زمان فعلی که دادسرا وجود ندارد دادگاه می‌تواند توقیف احتیاطی نماید النهایه در هنگام صدور باید تعیین تکلیف نماید حالا جای این سؤال است که اگر روزنامه‌ای حرمت قانون را شکست و به مقدسات دینی و معتقدات مردم توهین نمود و از خطوط قرمز گذشت آیا شیبی است که به وسیله او جرم محقق شده است یا خیر؟ توجه دارید که استفاده از این ماده توقیف احتیاطی ناظر به مراحل مقدماتی و قبل از محاکمه در دادگاه است اگر شما به جای قضات دادگستری باشید چه می‌کنید، می‌فرمایید طبق قانون مرتکب جرم شده اما چون

قانون به نفع متهم تفسیر می‌شود باشد هر چه دلشان می‌خواهد انجام دهند مقدسات دینی، و اساس انقلاب اسلامی، و قانون اساسی را زیر سؤال ببرند و یا به قول مقام معظم رهبری دام‌زله دشمنان در آن‌ها نفوذ کنند و درخت تنومند انقلاب و اسلام و کشور و معتقدات مردم را ریشه و بن با تیشه توطئه و القائات مسایل شبهه‌ناک و هموار نمودن راه برای نفوذ و تسلط بیگانگان بر کشور، ما فعلاً روزنامه‌های کذایی را توقیف احتیاطی نمی‌کنیم به دادگاه شکایت می‌کنم دادگاه در فرصت و وقت مناسب با حضور هیأت منصفه و صدور حکم و پس از اعتراض به حکم و صدور حکم قطعی از تجدید نظر و طی مراحل مواد دیگر بند ماده ۱۸ قانون محاکم عمومی و انقلاب و ماده ۲۲۵ آیین دادرسی کیفری و سایر موارد دیگر اقدام خواهد شد.

جناب آقای مهرپور - همان‌طوری که عرض شد، با این که می‌دانم و می‌دانستم این اقدام سنگین تمام خواهد شد اما بنده و همکارانم قاضی هستیم، همیشه قاضی چنین وضعی داشته و خواهد داشت که وقتی همراه با جو موجود و حاکم شرکت نکند اما به وظیفه قانونی که خود تشخیص می‌دهد عمل کند سنبل جملات آگاهانه و ناآگاهانه به طرف او سرازیر می‌شود، برداشت دادگستری تهران از مواد قانونی چنین است مراجع مختلف صلاحیت‌دار، تجدیدنظر، دیوان عالی، کشور، دادرسی و دادگاه عالی انتظامی قضات و غیره وجود دارند و تصمیم خواهند گرفت.

بنده به عنوان مدعی‌العموم هستم طبق ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری و ماده ۳ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ ناظر و اقدام‌کننده هستم و محاکم در راستای انجام وظیفه متعهدانه در صحنه حضور داشته و خودشان را به خدای بزرگ سپرده‌اند. جناب آقای دکتر مهرپور - در مقام عمل، قاضی باید به تشخیص خودش عمل کند یا تشخیص دیگران؟ قضات محاکم دادگاه مطبوعات می‌گویند استنباط و برداشت ما از قوانین چنین است اگر به وظیفه‌ای که تشخیص می‌دهیم عمل نکنیم در نزد خدا و وجدان مسؤول هستیم، واقعاً چه کار کنند، راه چاره چیست؟

اندیشه و فکر که تحمیلی نیست، چرا این قدر مورد سؤال و مؤاخذه قرار می‌گیرند شما بحمدالله دنیا گشته هستید در کجای دنیا این قدر دستگاه قضایی مورد سؤال قرار

می‌گیرد؟

دولت که معتقد است این برداشت حقوقی غلط است بهتر نیست از طریق مجلس یا شورای محترم نگهبان و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام و غیره به اصلاح امر وی‌ها مسأله را شفاف کند که این همه، اما و اگر، مطرح نباشد، و چه خوب است ترتیبی اتخاذ شود که رسیدگی به جرایم مطبوعات از صلاحیت دادگستری خارج شده و مرجع دیگری این مسؤلیت را به عهده بگیرد.

حضرت آیه‌الله هاشمی شاهرودی ریاست محترم قوه قضائیه

مناسب است در پاسخ ریاست محترم جمهوری در نامه فوق‌الذکر به عرض برسایم در تاریخ خرداد ماه سال ۱۳۶۰ تعداد شش نشریه به حکم دادستان انقلاب اسلامی تعطیل شد که از جمله آن‌ها روزنامه انقلاب اسلامی متعلق به رییس‌جمهور وقت و روزنامه میزان بود. چون امور نسبی است علی‌هذا تعداد روزنامه‌هایی که در آن روز بوده نسبت به تعداد روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌هایی که الآن در کشور وجود دارد اصلاً قابل مقایسه نیست.

ریاست محترم قوه قضائیه از این که مصدع شدم و شما را خسته کردم خوارمید بخشید استدعا دارد در صورتی که صلاح دانستید دستور فرمایید این نامه را به دفتر ریاست محترم جمهوری و هیأت محترم پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی ارسال نمایند. والسلام

عباسعلی علیزاده

رییس کل دادگستری استان تهران

بسمه تعالی

شماره ۷۹/۶۰۳۸

تاریخ ۱۳۷۹/۷/۲۳

جناب آقای دکتر مهرپور
مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیکبری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام
بازگشت به نامه شماره ۲۶۷-۷۹/خ/م مورخ ۷۹/۴/۲۵ نامه شماره ۱۷۹/۹۴۱۸ مورخ ۷۹/۷/۲ قوه قضاییه و ضمیمه آن (تصاویر پیوست) به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور
پاسخ جالبی است و واقعاً یک سند تمام عیار علمی - منطقی
حقوقی !!!»

سیدمحمدعلی ابطیحی

در مورد نامه رئیس انجمن دفاع از آزادی مطبوعات

بسمه تعالی

شماره ۳۰۴۰۹

تاریخ ۱۳۸۰/۷/۱۱

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیکری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

به پیوست تصویرنامه شماره ۸۰/۲۲۲/۸۰ مورخ ۸۰/۶/۲۸ رئیس انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در خصوص «درخواست احیاء و احقاق حقوق و آزادی مطبوعات» برای اطلاع و هماهنگی لازم ارسال می گردد.

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۶/۸۰/۲۲۲

تاریخ ۱۳۸۰/۶/۲۸

جناب آقای سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و آرزوی توفیق جناب عالی در احیا و احقاق حقوق مردم. اینک که به یمن همت مردم شریف ایران، گام در دومین دوره ریاست جمهوری نهاده‌اید، انجمن دفاع از آزادی مطبوعات لازم می‌داند بار دیگر حدیث مکرر آزادی مطبوعات و موارد متعدد نقض آن را چار دجویانه با شما در میان گذارد. بعد از رشد گسترده مطبوعات ایران در سال‌های ۷۶ تا ۷۸ و آغاز روند پر تلاطم و تدریجی توسعه و نهادینگی مطبوعات، که بیش از هر چیز مرهون تلاش روزنامه نگاران و حمایت چشمگیر مردم از آزادی مطبوعات بود، موج گسترده توقیف مطبوعات و تعقیب و بعضاً بازداشت و محکومیت روزنامه نگاران موانع جدی و پر مخاطره‌ای را در مسیر اجرای اصول بیست و چهارم و یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی به وجود آورد و فرآیند تحقق حق ذاتی و مسلم آزادی مطبوعات را با اختلالات جدی مواجه کرد. توقیف مطبوعات و تعقیب و بازداشت و محکومیت روزنامه نگاران، که به رغم تشکیک جناب عالی به صورت غیر قانونی انجام شده و به اعتقاد اکثریت قاطع حقوق دانان کشور با نقض مکرر قوانین اساسی و عادی به انجام رسید عملاً امنیت کار مطبوعات را از میان برد.

از سوی دیگر بیش از دو سال است که وضعیت صدور پروانه جدید برای نشریات، به ویژه روزنامه، به اندازه‌ای متصلب و راکد شده است که انبوه متقاضیان بر خلاف حقوق اساسی شهروندی مدت‌های طولانی (و بعضاً سال‌ها) است که در انتظار اجرای ساده‌ترین حقوق خود، یعنی حق انتشار نشریه‌اند.

به این ترتیب در حالی که توقیف غیرقانونی مطبوعات، بخشی از حقوق مطبوعات را مختل کرده است، تعلل در صدور پروانه‌های جدید نیز به بخش دیگری از حقوق مردم و مطبوعات آسیب رسانده است.

این همه، در شرایطی روی می‌دهد که آزادی مطبوعات به مثابه مهم‌ترین جلوه آزادی بیان، به تأکید و تصریح در قانون اساسی شناسایی شده و در گفتار جناب عالی نیز معمولاً مورد توجه بوده است.

جناب آقای خاتمی

رعایت و اجرای حقوق و آزادی مطبوعات، به عنوان یک حق ذاتی ملت و نیز به عنوان شرط لازم برای نظارت مردم بر مراکز قدرت، مستلزم گذار از مسیری دشوار است. مسیری که در آن معتقدان آزادی مطبوعات، در هر موقعیتی که قرار داشته باشند، ملزمند اهتمام خود را به ترویج آزادی مطبوعات و رفع موانع آن معطوف کنند.

مسئیر وقایع سال‌های اخیر حاکی از آن است که صاحبان جراید مستقل و روزنامه‌نگاران آزاد بیشترین تلاش‌ها را برای تحقق و گسترش آزادی به انجام رسانده و در این راه انواع خطرهای جانی و مالی را نیز پذیرا شدند که به لطف اراده و همراهی مردم حاصل آن شکل‌گیری درخشان‌ترین دوره فعالیت و آزادی مطبوعات کشور بود. با وجود این از آن جا که در نظام حقوقی، اداری و سیاسی کشور حجم عظیمی از اختیارات و امکانات منحصراً در دست مراکز مختلف حکومتی از جمله دولت است، بدون توجه جدی و با برنامه این مراکز و دولت، نمی‌توان انتظار داشت که تلاش یک سویه مطبوعات و روزنامه‌نگاران به بار نشیند.

حال آن که متأسفانه دولت برنامه قابل توجهی برای احیاء احقاق حقوق مطبوعات و رفع موانع غیرقانونی موجود و توسعه مجدد مطبوعات تاکنون ارائه ننموده است. گویی در این عرصه پر مجادله دولت، همدلی‌های صادقانه اخلاقی با آزادی مطبوعات و روزنامه‌نگاران را کافی می‌داند.

ریاست محترم جمهور

فعالان آزادی مطبوعات به نیکی از وجود موانع خارج از اراده شخص جناب عالی و دولت که در جهت بیشترین تحدید حقوق و آزادی مطبوعات عمل می‌کنند آگاهند. اما

قطعاً وجود چنین موانعی، توجیه قابل قبولی برای بی‌برنامگی کامل دولت در زمینه مطبوعات نیست. سهل است که حتی گاهی دولت آن مقدار از کارهایی را که قادر به انجام هست، متروک می‌گذارد.

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات با شناخت مجموعه این ملاحظات و تأکیدات عملی و قانونی از جناب‌عالی به عنوان رئیس جمهوری که با بیشترین اقبال و پشتوانه مردمی به انجام وظیفه می‌پردازید درخواست دارد احیا و احقاق حقوق و آزادی مطبوعات را به عنوان یکی از اولویت‌های مهم دولت در دستور کار قرار داده و رسماً یا برنامه‌ریزی و سازماندهی به این مهم همت بگمارد. در همین زمینه، انجمن اقدامات فوری ذیل را مؤکداً توصیه می‌کند:

- ۱- تدوین لایحه قانون مطبوعات مناسب با مقتضیات قانونی آزادی مطبوعات و پیامدهای انقلاب ارتباطات.
- ۲- پاسخگویی سریع به متقاضیان پروانه انتشار روزنامه و سایر نشریات.
- ۳- اعلام نظر صریح هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در مورد توقیف مطبوعات، تعقیب روزنامه‌نگاران و... و انتشار عمومی آن.
- ۴- گزارش مشروح مذاکرات جلسات هیأت نظارت بر مطبوعات به رسانه‌های گروهی و افکار عمومی.
- ۵- تقدیم اخبار قانون اساسی در مورد نقض اصول بیست و چهارم و یکصد و شصت و هشتم به مجلس شورای اسلامی.

علی حکمت

رئیس انجمن دفاع از آزادی مطبوعات

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۳۳۵۵

تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲۷

جناب آقای مهندس خاتمی

رییس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۳۰۴۰۹ مورخ ۸۰/۷/۱۱ در ارتباط با نامه انجمن دفاع از آزادی مطبوعات به استحضار می‌رساند بندهای ۲ و ۵ موارد مورد توصیه انجمن، به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مربوط می‌شود که در این زمینه توجهتان را به این موضوع جلب می‌کنم که در ارتباط با بند ۲، هیأت نظر خود را در مورد توقیف مطبوعات به طور نسبتاً مشروح و مفصل طی نامه‌های شماره ۲۰۸۱-۷۹/م مورخ ۷۹/۳/۲ و شماره ۲۱۶۷-۷۹/خ/م مورخ ۷۹/۴/۲۵ خدمت ریاست محترم جمهوری ارسال داشته است و تصمیم به انتشار عمومی آن در اختیار معظمله می‌باشد.

در خصوص بند ۵ نامه نیز اگر منظور دادن اخطار از سوی رییس‌جمهور به مجلس شورای اسلامی از جهت نقض اصول ۲۴ و ۱۶۸ قانون اساسی به لحاظ تصویب اضلاعیه قانون مطبوعات است با توجه به این که مصوبه مزبور پس از تصویب مجلس مؤزده بررسی شورای نگهبان قرار گرفته و شورای مزبور آن را مغایر قانون اساسی تشخیص نداده و با امضاء رییس‌جمهور برای اجرا ابلاغ شده است به نظر نمی‌رسد موردی برای اخطار قانون اساسی از این حیث از سوی رییس‌جمهور به مجلس وجود داشته باشد و اگر مطلب دیگری مورد نظر است خوب است توضیح داده شود.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

اطلاعیه دادگستری تهران در مورد منع مطبوعات از نشر مطالب مربوط به مذاکره با آمریکا

بسمه تعالی

شماره ۸۱/۳۵۷۶

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

چنان که مستحضرید، دادگستری استان تهران با صدور اطلاعیه‌ای که در تاریخ روز یکشنبه ۸۱/۳/۵ منتشر شد اعلام کرد با توجه به این که طبق قانون اساسی تعیین سیاست‌های کلی نظام از اختیارات رهبری است و معظم‌له می‌توانند درباره مذاکره با آمریکا یا کشورهای دیگر تصمیم بگیرند و با توجه به منع هرگونه مذاکره با آمریکا توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی، از همه رسانه‌ها اعم از صدا و سیما و خبرگزاری‌ها، مطبوعات و تریبون‌های رسمی می‌خواهد تا از تبلیغ و اطلاع‌رسانی جانب‌دارانه پیرامون مذاکره با آمریکا که طبق قانون مطبوعات و مواد ۱۱۰ و ۱۷۶ قانون اساسی و ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی جرم محسوب می‌شود، پرهیز نمایند تا زمینه لزوم برخورد قانونی و قضایی فراهم نشود.

دادگستری تهران در اطلاعیه توضیحی که در تاریخ سه‌شنبه ۸۱/۳/۷ در مطبوعات منتشر شد، مواد قانونی مستند اطلاعیه خود را احصاء نموده که عبارتند از: تبصره ۲ ماده ۴ قانون مطبوعات (که البته تبصره ۲ ماده ۵ صحیح است) مبنی بر این که مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم‌الاتباع است و تخلف از آن موجب توقیف موقت نشریه می‌شود؛ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مبنی بر اختیار رهبری برای تعیین سیاست‌های کلی نظام، اصل ۱۷۶ قانون اساسی در خصوص وظایف شورای عالی امنیت ملی و این که تصمیمات آن پس از تأیید مقام معظم رهبری برای دستگاه‌ها لازم‌الاجرا است، ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی که فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری

یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام را جرم می‌داند، بند هـ ماده ۲ قانون مطبوعات که یکی از رسالت‌های مطبوعات را حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی می‌داند و ماده ۳۵ که تخلف از مقررات قانون مطبوعات جرم و قابل مجازات دانسته شده، و تبصره‌های ۱ و ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات که قاعداً باید منظور بندهای ۱ و ۱۱ ماده مزبور باشد که طبق بند ۱ نشر مطلب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌کند مجاز نیست و طبق بند ۱۱ بخش‌نامه‌ها و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران ممنوع است.

۲. به طوری که ملاحظه می‌شود از اطلاعیه‌های دادگستری استان تهران این نتیجه به دست می‌آید که مسأله مذاکره با آمریکا از مصدق سیاست‌های کلی نظام است که رهبر معظم انقلاب طبق بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی عدم مذاکره با آمریکا را به عنوان سیاست کلی اعلام نمودند و بیان هرگونه مطلب از صدا و سیما و تریبون‌های رسمی یا نشر مطلب در مطبوعات که حاکی از تبلیغ یا اطلاع‌رسانی جانب‌دارانه پیرامون مذاکره با آمریکا باشد، از مصدق مخالف با سیاست‌های کلی نظام، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران (ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی) نشر مطلب الحادی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌کند (بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات) یا بخش‌نامه‌ها و مطالب خلاف واقع است (بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات) و برخلاف رسالت قانونی مطبوعات مبنی بر حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی است (بند هـ ماده ۲ قانون مطبوعات) و در نتیجه عمل مجرمانه و قابل تعقیب است.

از سوی دیگر، چون شورای عالی امنیت ملی با توجه به وظایف و اختیارات مندرج در اصل ۱۷۶ قانون اساسی، مطبوعات را از بحث پیرامون مذاکره با آمریکا منع کرده، تخلف از آن، طبق تبصره ۲ ماده ۵ قانون مطبوعات موجب پیگرد قانونی و توقیف موقت نشریه است.

در مورد اطلاعیه‌های دادگستری و بی‌آمدهای آن ملاحظات زیر قابل توجه است:

۱- طبق نامه شماره ۹۰۲۶۰۹۱۸/۵۲۶ مورخ ۸۱/۳/۲۷ دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی که در پاسخ به استعلام هیأت داده شده و تصویر آن پیوست است، شورای عالی

امنیت ملی تاکنون مصوبه‌ای در خصوص ممنوعیت بحث و اطلاع‌رسانی پیرامون مذاکره با آمریکا از سوی مطبوعات نداشته است.

۲- اطلاعیه‌های دادگستری تهران بیانگر اعلام یک نوع تفسیر عمومی و لازم‌الاتباع برای همه از برخی اصول و مواد قانونی است در حالی که دستگاه قضایی جز در مورد آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور صلاحیت تفسیر عمومی و کلی قوانین را ندارد. شرح و تفسیر قوانین عادی طبق اصل ۷۳ قانون اساسی به عهده مجلس شورای اسلامی است و طبق ذیل اصل مزبور قضات می‌توانند تفسیر خود را از قوانین در خصوص مواردی که نزد آنها مطرح است داشته باشند و بر آن اساس رأی بدهند که طبعاً این تفسیر و رأی برای دیگران و موارد مشابه لازم‌الاتباع نیست.

۳- صلاحیت قضایی و اداری دادگستری استان تهران به حوزه قضایی استان تهران محدود است و بنابراین صدور اطلاعیه و دستورالزام آور کلی برای عموم، علاوه بر ایراد بند فوق، محمل قانونی ندارد.

۴- طبق اطلاعیه دادگستری تهران ممنوعیت و جرم بودن بحث پیرامون مذاکره با آمریکا به صورت تبلیغ و یا اطلاع‌رسانی جانب‌دارانه از آن شامل تریبون‌های رسمی نیز می‌شود. قطعاً مجلس شورای اسلامی یکی از تریبون‌های رسمی محسوب می‌گردد که طبق این اعلامیه بحث و اظهار نظر نمایندگان مجلس پیرامون مذاکره با آمریکا از این تریبون ممنوع و جرم محسوب می‌شود، در حالی که به نص اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده حق دارد در همه مسایل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید و طبق اصل ۸۶ نمایندگان را نمی‌توان به خاطر اظهار نظرهایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی می‌نمایند تحت تعقیب قرار داد.

۵- نفس صدور چنین اطلاعیه تهدیدآمیز از سوی دستگاه قضایی و استناد به مصوبه شورای عالی امنیت ملی که وجود خارجی نداشته، موجب تشویش اذهان عمومی و مخل امنیت فکری نویسندگان و گویندگان و باعث به خطر افتادن آزادی‌های مشروع بیان و قلم است که مورد تأکید قانون اساسی است.

نتیجتاً به نظر هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، صدور اطلاعیه‌های مورخ ۵ و ۷ خرداد ۱۳۸۱ دادگستری استان تهران به شرحی که فوقاً ذکر شد چون

مستلزم اعلام نظر کلی در تفسیر قانون و نوعی قانون گذاری است و تهدید آزادی بیان و مطبوعات و از جمله آزادی اظهار نظر نمایندگان مجلس می باشد. خارج از صلاحیت قوه قضائیه و به خصوص دادگستری استان تهران بوده و ناقض اصول ۲۴، ۲۳، ۸۳ و ۸۶ قانون اساسی می باشد.

نظر مشورتی هیأت اعلام می شود تا به هر نحو صلاح می دانید در اجرای مسؤلیت موضوع اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مراتب به مراجع مربوطه منعکس و تذکر لازم داده شود.

حسین مهربور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

نامه هیأت به معاون اول قوه قضاییه در خصوص اظهارات یک روزنامه‌نگار

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۵۷۹

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۴

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای مروی

معاون اول محترم قوه قضاییه

با سلام

به پیوست تصویرنامه شماره ۸۱/۱۹۸/ - ص - مورخ ۸۱/۳/۷ هیأت مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران در خصوص گزارش مربوط به نحوه احضار و بازجویی خانم بنفشه سام‌گیس که برای ریاست محترم جمهوری و نیز برای ریاست محترم قوه قضاییه ارسال شده، فرستاده می‌شود. آقای رییس‌جمهور طی پی‌نوشتی که از جمله خطاب به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی است خواستار بررسی موضوع شده‌اند و اظهار نگرانی نموده‌اند که مبادا این رفتار ادعایی به صورت رویه‌ای در بازجویی‌ها درآمده باشد.

به هر حال تصویر گزارش خانم سام‌گیس که طبعاً برای قوه قضاییه هم ارسال شده باز حضورتان فرستاده می‌شود اگر این گزارش درست باشد طبعاً نحوه برخورد با متهم و تهدید به این که برای باز شدن زبان و به حرف درآمدن به بازداشتگاه امنیتی فرستاده می‌شود و سؤالات مطروحه جنبه تفتیش رفتار و عقاید شخصی دارد با بسیاری از اصول قانون اساسی مغایرت دارد. در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی و موارد ۱۲ و ۱۴ قانون تعیین حدود اختیارات و وظایف ریاست جمهوری، دستور فرمایید چگونگی امر بررسی و نتیجه جهت اطلاع رییس‌جمهور، به این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱/۱۹۸-ر-اص ر

تاریخ ۸۱/۳/۷

جناب آقای خانمی ریاست محترم جمهوری

جناب آقای کروی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

جناب آقای هاشمی شاهرودی ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام،
احتراماً به پیوست گزارش خانم بنفشه سام‌گیس، روزنامه‌نگار و عضو محترم انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، در خصوص نحوه احضار و بازجویی در یکی از شعب دادگاه‌های عمومی تهران، که به دلیل انتشار مقاله‌ای در روزنامه ایران انجام شده است، تقدیم می‌شود.

چنان که در متن گزارش مشهود است، نوع اقدامات انجام شده در این مورد، که البته پیش از این نیز سابقه داشته است، همراه با نقض مکرر مقررات قانونی و موازین حقوقی بوده است. در عین حال هر کسی شناس آن را ندارد که به نسخه‌ای از فیلم یا مستندات این نوع رفتارها دسترسی پیدا کند.

متأسفانه سکوت ممتد مقامات عالی‌رتبه کشوری، خصوصاً مسئولان ارشد قضایی، نسبت به تخلفات متعدد برخی قضات که در جریان رسیدگی به پرونده‌های مطبوعاتی و روزنامه‌نگاران اتفاق می‌افتد، عملاً به گسترش و فراوانی بیشتر این قبیل اقدامات منجر شده و حتی حداقل حقوق قانونی مقرر در فرآیند تحقیقات نیز به راحتی نادیده گرفته می‌شود.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران ضمن ابراز تأسف عمیق از این اقدامات، وظیفه خود می‌داند که در صورت عدم پیگیری این تخلفات یا ایجاد ممانعت در مسیر این امر، به منظور جلوگیری از ترویج این نوع اقدامات و حمایت از حقوق قانونی اعضای خود،

گزارش پیوست و گزارش‌های مشابهی را که در اختیار دارد در اختیار افکار عمومی
دهد.

علی مرزودی
رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران

بسمه تعالی

شماره ۱۴۱۴۹

تاریخ ۸۱/۷/۲۵

جناب آقای دکتر مهرپور
مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

سلام علیکم

با تازان گذشت به شماره ۲/۸۱-۳۵۷۹ مورخ ۸۱/۴/۴ محرم‌ماه در مورد تصویر نامه انجمن صنایع روزنامه‌نگاران ایران، ریاست محترم قوه قضائیه پس از ملاحظه نامه جناب عالی و ضمائم، در هامش آن مرقوم فرمودند:

«بسمه تعالی: پاسخ داده شود، چنانچه خلافی در بازجویی و مقدمات انجام بگیرد که جرم و یا تخلف باشد مسؤول پیگیری آن شکایت دادگاه انتظامی قضات است و نه ریاست جمهوری این قبیل امور همواره بوده و بدین ترتیب بررسی و رسیدگی می‌شده این هیأت پیگیری بدعتی جدید است که ظاهراً می‌خواهند به عنوان یک دادگاه عالی انتظامی و دیوان‌عالی و دیوان عدالت اداری عرض اندام کنند که امری برخلاف صریح قانون اساسی است. ۸۱/۷/۱۷»

مراتب جهت اطلاع اعلام می‌گردد.

محمود شیرج

رئیس نهاد قوه قضائیه

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۶۵۶۴

تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۸

دفتر مقام معظم رهبری
حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدی گلپایگانی

با سلام
نامه شماره ۸۱-۳۸۰۸/م مورخ ۸۱/۸/۶ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و سوابق آن در خصوص احضار و بازجویی خانم بنفشه سام گیس (تصاویر پیوست) به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید. بی‌نوشت فرمودند:

«به دفتر مقام معظم رهبری ارجاع شود تا به استحضار معظم له برسد و حتی توضیح خواستن از قوه قضاییه با چه جواب غیرمؤدیه‌ای رویه می‌شود. حالا معلوم است که چرا من درخواست این کرده‌ام که وظیفه و حق روشنم در قانون اساسی از سوی قوه قضاییه به رسمیت شناخته شود.»

سیدعلی خاتمی

در مورد نامه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

بسمه تعالی

۲۴۸۷۹

شماره

۱۳۸۲/۵/۱۲

تاریخ

جناب آقای دکتر مهرپور
رییس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

مطلب مندرج در روزنامه ایران مورخ ۸۲/۵/۵ در خصوص نامه رییس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به رییس محترم جمهوری (تصویر پیوست) به استحضار ایشان رسید؛
بی‌توسست فرمودند:

«جناب آقای مهرپور

آنچه این روزها (و بیشتر از آن) در کشور می‌گذرد نگران‌کننده است ظاهراً بعد از رایحه اختیارات به مجلس گویا ما هم وظیفه خود را فراموش کرده‌ایم. علاوه بر مطلبی که در نامه رییس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران آمده است روزی نیست که شکایت‌ها و درد دل‌ها و دادخواهی‌های فراوان از دانشجویان، خانواده‌های زندانیان و شخصیت‌های مختلف به رییس‌جمهور نرسد صرف نظر از این که این نامه از سوی چه کسانی و با چه نگر و مضمی است اصل رعایت قانون و حرمت افراد در نظام اصل بسیار مهمی است. خوب است مجموعه این امور به طور جدی و پیگیر در هیأت مورد بررسی قرار گیرد. اگر تخلفی از قانون اساسی هست (که به نظر هست) دست کم اعتراضی و تذکر از سوی ما داده شود.»

سیدعلی خاتمی

شماره ۱۱۲/۱۶۴۷

تاریخ ۱۳۸۲/۵/۵

با احترام به استحضار عالی می‌رساند:

موضوع: نامه رییس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به رییس جمهور ایران، ۸۲/۵/۵

ص ۱

رجیستی مزروعی رییس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در نامه‌ای به رییس جمهوری خواستار رعایت حقوق مطبوعات شد. وی در این نامه نوشت: در سال‌های اخیر، رسیدگی به اتهام‌های روزنامه‌نگاران، در محاکم، برخلاف اصل ۱۶۸ قانون اساسی بدون حضور هیأت منصفه و بعضاً، به صورت غیرعلنی انجام می‌شود....

متأسفانه، اخیراً، برخلاف صراحت این ماده [ماده ۲ قانون مطبوعات] و نیز بی‌توجهی به اصل ۲۴ قانون اساسی، مسؤولان دادستان عمومی و انقلاب تهران، مطبوعات را به چاپ یا عدم چاپ مطالب و حتی تعیین تیتیر مطبوعات، الزام کرده‌اند. مزروعی در این نامه از رییس جمهوری درخواست کرد به هیأت‌های تشکیل شده برای رسیدگی به حقوق مطبوعات دستور دهد که به موضوع «نادیده گرفتن حقوق مسلم مطبوعات رسیدگی شود و گزارش هیأت‌های یاد شده برای اطلاع افکار عمومی، به ویژه جامعه روزنامه‌نگاران کشور، انتشار یابد.»

ابوالقاسم خوشنویس

معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی

شماره ۸۱-۳۳۵
تاریخ ۱۳۸۱/۶/۲۰

جناب آقای مزروعی
رئیس محترم انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران

با سلام
عطف به نامه ارسالی به ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران (تصویر پیوست) در خصوص رسیدگی به جرایم مطبوعاتی بر خلاف اصل ۱۶۸ و الزام مطبوعات به درج مطالبی از سوی دادگستری، برخلاف موازین قانونی نمونه‌های مشخصی از اعمال خلاف قانون فوق را برای این هیأت ارسال فرمایید تا بررسی و پیگیری لازم صورت گیرد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و
رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

در مورد روزنامه آسیا

بسمه تعالی

۲۱۳۳۸

شماره

۱۳۸۷/۴/۲۸

تاریخ

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای شوشتری

وزیر محترم دادگستری

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای یونسی

وزیر محترم اطلاعات

با سلام

نامه مدیر مسئول روزنامه آسیا در خصوص نحوه برخورد با این نشریه (تصویر پیوست) به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید؛ پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای شوشتری جناب آقای یونسی

مع الاسف این روزها (و پیش از آن هم) نحوه برخوردهایی با روزنامه نگاران و دیگر شهروندان به عمل می آید که دست کم تأمل انگیز است. طبیعی است که در یک جامعه متعادل و پویا هیچ کس نمی تواند و نباید در برابر اعمال قانون از جمله برخورد با متخلف ایستادگی و در درستی آن تردید کند البته قانون فقط در مورد شهروندان اجرا نمی گردد. در مورد ما حکمرانان در هر قوه هم که باشیم باید مراعات گردد. به نظر می رسد که بسیاری از روش ها و شیوه ها در خورد نقد باشد. باید به صورت جدی بررسی کرد و اگر مسأله ایست اگر هم ما توان و حق دخالت نداریم دست کم به دست اندرکاران ذی ربط تذکر دهم تا ان شاء الله نه مصلحتی تقویت شود و نه حقی ضایع گردد. ما

همان‌گونه که مسؤول نسبت به مصالح و امنیت ملی هستیم، در برابر حقوق مسلم هموطنان عزیز و به‌خصوص اصحاب فکر و نظر مسؤولیم. سریعاً بررسی کنید. ضمناً هیأت نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز پیگیری کند.»

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۲۹۳

تاریخ ۱۳۸۲/۵/۸

جناب آقای شیخ
ریاست محترم نهاد فقه قضائیه

با سلام

به پیوست تصویرنامه مدیر مسئول روزنامه آسیا که ضمن تقدیم به ریاست محترم جمهوری اظهار داشته به رغم ترویج وثیقه قانونی و صدور حکم آزادی در بازداشت به سر می برد، به همراه تصویر پی نوشت محترم جمهوری ارسال می گردد، دستور فرمایید. چگونگی امر برای استحضار ریاست جمهوری توضیح داده شود.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

در مورد روزنامه یاس نو

بسمه تعالی

۳۸۰۸۳

شماره

۱۳۸۲/۷/۹

تاریخ

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطیحی

معاون محترم حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور

جناب آقای مسجدجامعی

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

با سلام

نامه شماره ی - ن - ۴۵۰ مورخ ۱۳۸۲/۷/۷ مدیر مسؤول محترم روزنامه یاس نو و ضمایم آن (تصویر پیوست) در خصوص توقیف موقت آن روزنامه به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

جناب آقای مسجدجامعی

جناب آقای ابطیحی

گرچه بسیاری از کارهایی که تاکنون درباره مطبوعات و عرصه فرهنگ و سیاست شده است در خور خدشه است و به نظر به مصلحت نظام و جامعه نیست، ولی رفتار اخیر که بی سابقه هم به نظر می رسد تعجب انگیزتر است. قبل از آن که قانونی بودن یا قانونی نبودن آن مورد توجه قرار گیرد، نفس عمل به هیچ وجه حکایت از دوردلیسی و ترجیح مصالح ملی بر دیگر انگاره ها و انگیزه ها ندارد و در عین حال به لحاظ قانونی نیز هم معاونت حقوقی و هم وزارت ارشاد و هم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی سریمآ بررسی و نتیجه را اعلام کنند.

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ی-ن-۴۵۰

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۷

حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام و ارادت

همچنان که مستحضرید بعد از ظهر روز یکشنبه ۸۲/۷/۶ روزنامه یاس نو به دلیل عدم اجرای ماده ۲۳ قانون مطبوعات توسط دادسرای تهران به مدت ۱۰ روز توقیف شد. گزارش مشروح مکاتبات انجام شده از ۸۲/۷/۱ تا روز توقیف جهت استحضار به پیوست تقدیم می گردد.

آنچه در طی مدت ۸ ماه انتشار روزنامه بر بنده گذشت حکایتی است که در وقت خود بازگو خواهد شد اما بنده با صبوری، چشم پوشی از حق قانونی و متانت این مدت را گذراندم و در مقابل هرگونه اجحاف و تحمیل سکوت پیشه کردم و برای این که فضای رابطه بین روزنامه و مقامات قضایی تیره نشود از مصاحبه کردن با خبرگزاری ها و مطبوعات جداً خودداری کردم، حتی در مواقعی که به دادسرا و یا دادگاه شعبه ۱۴۱۰ (سابق) احضار شدم (که حرف های زیادی برای گفتن دارد). اما مع الاسف آخرین درخواست دادسرا و اجبار آن ها برای چاپ مجدد مطلبی با حجم ۱۲۳ صفحه عادی و ۷/۵ صفحه کامل روزنامه (که روز شنبه ۸۲/۷/۵ چاپ شده بود)، نه قانونی و نه منطقی بود. با این وجود برای چاپ آن استنکاف نکردم اما حداقل انتظار این بود که برای رفع هرگونه بهانه برای طرفین، دادسرای محترم مشخص می کرد که ما به ازاء کدام مطلب و یا کدام شکل و شمایل دقیق مورد نظر آن ها، باید مطلب چاپ شود و نه این که از سر قدرت نمایی حکم توقیفی داده شود که همواره صدور آن در اختیار آقایان است حتی با تمسک به مواد قانون اقدامات تأمینی که خلاف مسلم است اما آقایان بارها از آن استفاده کرده اند. علی ای حال استدعا دارم دستور فرمایید مبادی ذیربط به این موضوع رسیدگی کنند و

نسبت به تضييع حق مطبوعات کشور مخصوصاً روزنامه ياس نو واکنش درخور صورت گیرد. قبلاً از مراجع حضرت عالی کمال تشکر را دارم.

محمد نجفی پور

مدیر مسؤول روزنامه ياس نو

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۴۴۱

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۴

جناب آقای مهندس خاتمی

رییس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۲۸۰۸۲ مورخ ۸۲/۷/۹ حاوی پی‌نوشت ریاست محترم جمهوری در مورد نامه مدیر مسئول روزنامه یاس نو که رونوشت آن برای هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز ارسال شده به استحضار می‌رساند موضوع در جلسه هیأت مطرح شد و چون مسأله در جلسه مورخ ۸۲/۷/۷ هیأت نظارت بر مطبوعات نیز با حضور آقای وزیر محترم ارشاد مورد بحث قرار گرفت و با مذاکراتی که به عمل آمد و تفاهمی که با دادسرای تهران صورت گرفت از روزنامه رفع توقیف به عمل آمد و هم‌اکنون منتشر می‌شود اعضای هیأت فعلاً معتقد به بررسی و اظهار نظر در این خصوص نبودند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

در مورد ممیزی کتاب

بسمه تعالی

شماره: ۳۸۰۵۷

تاریخ: ۱۳۸۲/۷/۱۲

جناب آقای مسجد جامعی

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

جناب آقای دکتر مهرپور

رئیس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

مطلب مندرج در روزنامه شرق مورخ ۸۷/۷/۷ در خصوص نامه اتحادیه ناشنایان و کتاب فروشان پیرامون لغو سانسور کتاب (تصویر پیوست) به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید؛ بنی نوشتت فرمودند:

«با تشکر از عزیزان

مطلب درخور توجهی است. در کمیسیون فرهنگ و ارشاد مجلس هم بحث‌های خوبی شده است که حتماً باید پیگیری شود. به هر حال اولاً: جناب آقای وزیر ارشاد جداً و سریعاً بررسی، پیگیری و نتیجه را اعلام کنند. ثانیاً: هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی هم در این باره بررسی نماید.»

سیدعلی خانمی

به نام خدا

شماره ۱۶۰۸

حضور حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۴

با سلام و احترام.

فرمایشات شما در هفته دولت، در مصاحبه مطبوعاتی که داشته‌اید، و تأکید مجددی که بر قانون و قانون‌گرایی نمودید انگیزه‌ای شد تا ما نکاتی چند را در مورد نقض یکی از مهم‌ترین اصول قانون اساسی، یعنی اصل ۲۴، جهت پی‌گیری به اطلاع حضرت عالی برسانیم.

۱- ممیزی کتاب در شرایط خاص مملکت در دهه شصت و در زمانی اعمال می‌شد که عناوین کتاب‌های منتشره در سال دو یا سه و حداکثر پنج‌هزار بوده است. در حالی که در سال گذشته در کشور ما بیش از سی‌هزار عنوان کتاب منتشر شده است که به اعتقاد ما ممیزی این حجم کتاب‌های منتشره در عین حال که غیرقانونی است غیر عملی و ناممکن هم می‌باشد.

۲- در همه جای دنیا اصل بر مصونیت است نه بر محدودیت. این رفتار با کتاب در عمل محدود کردن آن و زایل نمودن اعتماد مردم به محتوای کتاب‌هایی است که در کشور ما منتشر می‌شود و کارآگاهان اعمال سانسور را یکی از مهم‌ترین دلایل کمی اقبال مردم به کتاب و عقیم ماندن تلاش‌هایی می‌دانند که طی دو دهه اخیر - از جمله ایام ریاست جمهوری شما - جهت گسترش کتاب و کتابخوانی به عمل آمده است. جناب عالی بهتر از هر کسی به تبعات منفی فرهنگی و اجتماعی پایین بودن سرانه مطالعه در کشور واقفید.

۳- در این سال‌ها با تحولاتی که در رسانه‌های فرهنگی مختلف در جهان به وقوع پیوسته است درصد بالایی از مردم در اکثر جوامع - از جمله کشور ما - امکان دسترسی آسان و آزادانه به انواع مختلف تولیدات ادبی و خبری را دارند. بنابراین سانسور کتاب

جز عقب نگه‌داشتن یکی از مؤثرترین ابزار تولید و انتقال فرهنگ در کشور ما و ناکارآمد کردن آن نتیجه دیگری نمی‌تواند داشته باشد آن هم در شرایطی که دیگر رسانه‌ها به سرعت در حال گسترش و همه‌شمول شدن می‌باشند.

۴- امروزه در جهان به جز چند کشور - از جمله عراق - کشوری وجود ندارد که فعالیت ناشران و انتشار کتاب در آن‌ها نیازی به داشتن مجوز داشته باشد و توقع ما ناشران و کتاب‌فروشان از دولت شما کاستن از محدودیت‌ها و حرکت به سمت و سوی گشایش بیشتر در تولید فرهنگی بوده است که متأسفانه در چند ماهه اخیر به دلیل تشویقاتی که از سوی برخی نهادهای برای کتاب پیش آمده بر میزان این محدودیت‌ها افزوده شده است.

۵- آن‌چه که هم‌اکنون با نام مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورخ ۶ و ۱۲ و ۱۳۶۷/۲/۶ مبنای عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و به اعتقاد ما ناقص اصل ۲۴ قانون اساسی می‌باشد اشکالات زیر را داراست. اولاً: در بخش کتاب‌های عمومی، بر خلاف کتاب‌های کودک و نوجوان، هیچ اشاره‌ای به نظارت قبل از چاپ و نشر این کتاب‌ها نشده است. ثانیاً:

«ملاک منع در حکم به اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی اخلال

در کتاب مضله»

را تأثیر و فعلیت این کتاب‌ها دانسته است که برداشت اکثر همکاران ما این است که تنظیم‌کنندگان این مصوبه آگاهانه در بخش کودک و نوجوان انتشار این کتاب را موقوف به بررسی پیش از چاپ و در بخش کتاب‌های عمومی قضاوت را به پس از چاپ و انتشار کتاب و آن هم به مردم ارجاع نموده‌اند. ثالثاً: چون این مصوبه، قانون و تصویب شده در مجلس شورای اسلامی نیست، بنابراین هیچ وزیری را به دلیل معطل ماندن یا نقض آن نمی‌توان در مجلس استیضاح کرد و به طریق اولی اثری از آن در کتاب‌های قانون که مرجع صدور حکم قضاوت می‌باشد نیست؛ نتیجه آن که ناشرانی که سر و کار آنان با قوه قضاییه بیفتد در عمل رها شده و بی‌پناه خواهند ماند. رایماً: در این مصوبه مرجع تشخیص دهنده تخلف پیش‌بینی نشده است که شاید به دلیل وجود این نقص بزرگ، باشد

که در حال حاضر چندین ارگان موازی هم بر خلاف اصل ۴ این مصوبه که مسئول اجرای سیاست‌ها و ضوابط آن را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دانسته است به خود اجازه می‌دهند تا در مقام کشف جرم ناشران برآیند! که من‌باید نمونه غیر از خود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌توان از قوه قضاییه، سازمان بازرسی کل کشور، اداره اماکن و اخیراً - حتی - نیروی انتظامی نام برد.

جناب آقای رئیس‌جمهور، از شما می‌خواهم قضاوت کنید در شرایطی که ناشران حداقل امنیت شعلی را هم ندارند، چگونه می‌توان به ادامه کار خطیر فرهنگی و انتشار کتاب که ضرورت دارد گاه با برنامه‌ریزی‌های چندین ساله همراه باشد ادامه داد؟ ناشری که هر روز انتشار دارد توسط ارگانی احضار شود آیا می‌تواند تدارک برنامه‌ریزی دراز مدت را ببیند؟

ما توجه حضرت‌عالی را به مطالب فوق و نقض مستمر اصل ۴۳ قانون اساسی و اثرات سویی که در گسترش فرهنگ کشور دارد و تأثیرات سویی که بر اندامان جهانیان می‌گذارد جلب کرده و خواهان صدور دستور پیگیری جهت رفع هر گونه سانسور کتاب و بازگشت به قانون می‌باشیم. خواهی‌ما اجرای قانون است.

با آرزوی سلامتی و موفقیت برای جناب‌عالی.

داود رمضان شیرازی

رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان

رونوشت:

- جناب آقای حسین مهرپور، ریاست محترم حیات پیگیری قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۴۶۵
تاریخ ۱۳۸۲/۸/۳

جناب آقای مهندس خانی
رئیس دفتر محترم رئیس جمهور

با سلام
عطف به نامه شماره ۳۸۰۵۷ مورخ ۸۲/۷/۱۲ به پیوست نظر کمیسیون حقوقی این
هیأت و تصویر پیگیری‌هایی که از وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص
چگونگی اعمال متمیزی در مورد کتاب شده است جهت استحضار ارسال می‌گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

صورت جلسه کمیسیون حقوقی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی
«مورخ بیست و چهارم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و یک»

موضوع بحث: نامه اتحادیه ناشران و کتاب فروشان در رابطه با اصل بیست و چهارم قانون اساسی.

در تاریخ فوق الذکر کمیسیون حقوقی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی با حضور کلیه اعضاء تشکیل گردید.

نامه مذکور که طی شماره ۱۶۰۸ - ۸۱/۷/۲۴ به عنوان ریاست محترم جمهوری ارسال و رونوشت آن به عنوان ریاست محترم هیأت فرستاده شده و نهایتاً در تاریخ ۸۱/۸/۳ جهت بررسی به این کمیسیون ارجاع گردیده است مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بدو اصل مذکور و مقرراتی که در این خصوص در نامه مذکور به آن اشاره شده ذیلاً منعکس و سپس به اظهار نظر مبادرت می شود:

۱- اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نشریات و مطبوعات صریحاً مقرر می دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلامی یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند.»

۲- بند ۱ ماده ۳ مصوبه جلسات ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹ - مورخ ۱۳، ۶، ۱۳ و ۱۳۶۷/۲/۲۰ «شورای عالی انقلاب فرهنگی» با استناد به اصل ۲۴ قانون مذکور مقرر می دارد: «کتب و نشریات طبق اصل ۲۴ قانون اساسی در بیان مطالب آزادند»

۳- بند ۳ ماده مذکور اضافه می نماید: «... هیچ مقام رسمی و غیررسمی نمی تواند با اعمال فشار انتشار یا عدم انتشار کتب و نشریات مجاز را باعث شود.»

۴- در بند ۴ ماده ۳ مزبور مبانی آزادی نشر مطبوعات و فوائد آن بیان شده و مقرر می دارد: «تلاش در جهت انتشار کتب مفید برای نشر اندیشه ها و تعاطی افکار و رشد فکری در جامعه و مقابله فکر با فکر و تقویت روح نقّادی و برخورد آزادانه و منطقی آراء و نظریات... آزادی استماع اقوال و اتباع احسن و مآلاً کشف نظر صحیح، حق طبیعی هر

فرد از افراد ملت است.»

۵- در بند ۵ ماده ۳ مذکور تحت عنوان: «سیاست‌های ایجابی و اثباتی» نیز در این خصوص مقرر می‌دارد: «... تدوین و اجرای سیاست‌های هدایتی و حمایتی نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص کتاب و نشریات باید به نحوی باشد که اهل قلم را به تألیف و انتشار کتاب‌های متناسب با نیازهای جامعه امروز در جهت اهداف و اصول ذیل تشویق و ترغیب نماید.»

۶- اهداف اصول اشاره شده در بند ۵ مارالذکر هم در بندهای ذیل آن ذکر شده که عموماً عبارت از: «تقویت و رواج امر پژوهش به عنوان یکی از مهم‌ترین طرق تحقق استقلال فرهنگی، دفاع منطقی و محققانه از استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، تجدید حیات و مجد و جلال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اسلام از طریق انتشار کتاب‌های مناسب، کوشش در راه حفظ میراث زبان و ادب فارسی...»

۷- در بند «ب» ذیل ماده ۳ مذکور تحت عنوان «حدود قانونی» گویی را که شایسته نشر نبوده احصاء نموده و در عین حال در تبصره ۲ آن مواردی را که از شمول بندهای مذکور تحت عنوان «حدود قانونی» خارج می‌باشد بیان نموده، از جمله در بندج مقرر داشته است که: «طرح اشکالات و انتقادات و بیان نارسایی‌ها در جمهوری اسلامی جهت ریشه‌یابی و شناخت دقیق‌تر مسایل و دست‌یابی به راه‌حل‌های مناسب و سازنده بایمان استدلالی و اصلاح طلبانه بدون توهین و افترا.»

۸- در تبصره ۳ ذیل عنوان «حدود قانونی» نیز اضافه می‌نماید: «انتشار کتب موضوع ماده ۳ و کتب دیگر، در صورتی که آثار منفی ناشی از مطالب مندرج در آن‌ها با افزودن مقدمه و توضیحات محققانه و مناسب بر طرف شده باشد، بلا مانع خواهد بود.»

نظریه کمیسیون:

الف - از اصل بیست و چهارم قانون اساسی چنین استنباط می‌شود که مبنای فکری نویسندگان این قانون و واضعین آن، اصل آزادی نشریات و مطبوعات بوده و ایجاد تضییقات و محدود نمودن آزادی مذکوره، استثناء بر اصل می‌باشد و منحصراً در

صورتی جایز است که اولاً: نشریات و مطبوعات «مخل به مبانی اسلام» یا «حقوق عمومی» باشد آن هم با این قید که تفصیل آن توسط قوانین عادی معین گردد. ثانیاً: اخلال وفق مقررات قوانین موضوعه محقق و محرز باشد.

ب - در مورد مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی طی جلسات ۱۴۷، ۱۴۸ و ۱۴۹ قطع نظر از اظهار نظر کمیسیون حقوقی در جلسات مورخ ۷۷/۶/۱ و ۷۷/۶/۸ در خصوص این گونه مصوبات و صحت سلب عنوان «قانون» از آنها طبق اصول پنجاه و هشتم، هفتاد و یکم و هفتاد و پنجم قانون اساسی، مصوبات مذکور نیز دلالت صریحی به تجویز ممیزی قبل از انشار و ایجاد محدودیت نسبت به نشریات و مطبوعات ندارد، بلکه طبق تبصره ۲ ذیل ماده ۵ مصوبات مذکور منحصراً در خصوص کتب کودکان و نوجوانان به لحاظ اهمیت موضوع، نظارت قبل از چاپ و نشر این گونه کتب توسط هیأت نظارت موضوع ماده ۵ ضروری اعلام گردیده است. بنابراین با توجه به این که:

- ۱- مبنای فکری شورای نامبرده با عنایت به بند الف ماده ۳ تحت عنوان «سیاست‌های ایجابی و اثباتی» در خصوص کتب و نشریات، اجباراً همان مقررات اصل بیست و چهارم قانون اساسی یعنی «آزادی کتب و نشریات در بیان مطالب» بوده.
- ۲- در بند ۲ ماده مذکور دولت و همه ارکان حکومت را موظف به حمایت از حریم آزادی کتب و نشریات بر اساس قانون اعلام نموده.
- ۳- در بند ۳ همین ماده تلاش برای افزایش آگاهی‌های دینی علمی، سیاسی، اقتصادی، هنری، تاریخی، اجتماعی و نظایر آن را در سطح عموم و انتشار کتاب و نشریه را به این منظور از حقوق افراد ملت اعلام نموده است.
- ۴- در ذیل همین بند مقرر داشته است که: «هیچ مقام رسمی و غیررسمی نمی‌تواند با اعمال فشار انتشار یا عدم انتشار کتب و نشریات مجاز را باعث شود.»
- ۵- شورای مزبور متعاقب ذکر مصادیق اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی تحت عنوان «حدود قانونی» به شرح مندرج در بندهای «الف» الی «ز» در تبصره - ۱- ذیل این عنوان مقرر داشته است که: «ملاک منع در حکم به اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی، اضلال در مورد کتب مضلّه تأثیر و فعلیت است». چنین استنباط می‌شود که:

اولاً: مصوبات موضوع بحث هیچ‌گونه دلالتی بر ضرورت اعمال سمبزی و نظارت نسبت به نشریات و کتب، قبل از چاپ نداشته (به استثنای کتب کودکان و نوجوانان) ثانیاً: ملاک در «اخلال به مبانی اسلامی و حقوق عمومی» که موجب جلوگیری از انتشار کتب مضله می‌گردد «تأثیر و فعلیت آن» می‌باشد.

۷. ثالثاً: طبق ماده ۴ مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، موضوع بحث، نظارت بر امر طبع و نشر کتاب و اجرای صحیح اصل ۲۴ قانون اساسی منحصرأ به عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده و مرجع صالح جهت رسیدگی و تشخیص در این خصوص نیز هیات‌های موضوع ماده ۴ و ۵ مصوبات مذکور می‌باشد.

۸. بنابراین به نظر می‌رسد که با توجه به شکوایه اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان طی شماره ۱۶۰۸-۲۴/۷/۸۱ ریاست محترم جمهوری می‌توانند در جهت اجرای صحیح اصل بیست و چهارم قانون اساسی و صیانت آن، در خصوص برطرف نمودن محدودیت‌های مذکور در شکوایه نسبت به کتب و نشریات قبل از انتشار آن هم توسط ارگان‌های دیگر، اقدام و دستور مقتضی صادر فرمایند.

در مورد توقیف موقت مطبوعات

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۱۴۷

تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۸

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۲۳۲۲۰ مورخ ۸۳/۵/۶ در خصوص بررسی توقیف برخی از مطبوعات و درخواستی که از ریاست محترم جمهوری مطرح شده موضوع در جلسه هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت که بررسی و نظر هیأت به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- طبق آخرین آمار و گزارش که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت شده در حال حاضر حدود ۵۰ نشریه اعم از روزنامه، هفته نامه و ماهنامه توقیف موقت شده و تاکنون رسیدگی و تصمیم نهایی در مورد آنها صورت نگرفته است، از زمان توقیف برخی از این نشریات بیش از ۵ سال می‌گذرد، تعداد اندکی از این نشریات از سوی هیأت نظارت بر مطبوعات با توجه به اختیار حاصله از تبصره الحاقی به ماده ۱۲ قانون مطبوعات اصلاحی سال ۱۳۷۹ توقیف و ظرف یک هفته جهت تعیین تکلیف به دادگستری ارسال شده، که هنوز تعیین تکلیف نگردیده و بقیه از سوی دادگستری یا دادگاه انقلاب به دستور قاضی دادگاه و اخیراً به دستور بازپرس توقیف شده‌اند.

۲- در قانون مطبوعات موارد محدود و مراجع محدود برای صدور دستور توقیف موقت مطبوعات مجاز شناخته شده و به نظر می‌رسد قانون‌گذار توقیف نامعین نشریات را مجاز ندانسته است:

الف - طبق تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مطبوعات اصلاحی سال ۱۳۷۹، در صورتی که نشریه از درج پاسخ شاکلی امتناع ورزد یا شکایت شاکلی، رییس دادگستری (در قانون

سال ۱۳۶۴ دادستان بوده و هم‌اکنون نیز با تأسیس مجدد دادسرا قاعدتاً باید این مقام دادستان باشد) برای درج پاسخ اخبار می‌کند و اگر این اخبار مؤثر واقع نشد پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد به دادگاه ارسال نماید.

ب - تبصره ماده ۳۱ نیز در مورد خاصی به رییس دادگاه (قبل از اصلاحیه سال ۱۳۷۸ دادستان) اجازه داده است که حکم توقیف نشریه متخلف را تا موقع صدور رأی یادگاه صادر نماید، تبصره مزبور مقرر می‌دارد: «در مورد مواد ۳۰ و ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است، نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد در صورت تخلف، رییس دادگاه باید قبل از ختم تحقیقات، حکم توقیف نشریه را صادر کند این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ می‌شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می‌شود.»

سج - تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات الحاقی سال ۱۳۷۸ نیز به هیأت نظارت بر مطبوعات اجازه داده است که در مورد برخی از تخلفات موضوع ماده ۶ و ماده ۷ قانون مزبور نشریه را توقیف نماید، در صورت توقیف، هیأت نظارت موظف است ظرف یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.

این مورد نیز از مواردی است که توقیف موقت اجازه داده شده ولی با تکلیف به ارسال پرونده ظرف یک هفته به دادگاه پیوست که قانون‌گذار نظرش این بوده که توقیف موقت و بدون حکم دادگاه زیاد طول نکشد و دادگاه رسیدگی و تعیین تکلیف نماید.

د - تبصره ۲ الحاقی سال ۱۳۷۸ به ماده ۵ قانون مطبوعات نیز به دادگاه اجازه داده است، نشریه متخلف از تصویبات شورای عالی امنیت ملی را موقتاً تا دو ماه توقیف نماید و پرونده را خارج از توبت رسیدگی کند.

مواردی هم در قانون مطبوعات از لغو پروانه یا جلوگیری از انتشار نشریه سخن به میان آمده که عندالاجتضاء با دستور اداری یا قضایی خواهد بود و فعلاً مورد بحث ما نیست.

از مجموع مقررات قانون مطبوعات چنین به نظر می‌رسد در موارد محدودی می‌توان

دستور توقیف موقت نشریه را صادر کرد که یا مدت آن معین است مانند ده روز یا دو ماه و یا اگر مدت تعیین شده مشخص هم وجود ندارد در وضعی است که زمینه برای رسیدگی به وضع نشریه در دارگاه فراهم است و در مدت کوتاهی دارگاه رسیدگی و تعیین تکلیف خواهد کرد.

مراجع مجاز به صدور دستور توقیف موقت نیز عبارتند از دادگاه، دادستان و هیأت نظارت بر مطبوعات.

نه از قانون مطبوعات و نه از مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد وظایف بازپرس در تحقیقات مقدماتی اختیار بازپرس در صدور دستور توقیف موقت نشریه‌ای آن هم بدون تعیین مدت فهمیده نمی‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد آنچه مدتی است در دستگاه قضایی رایج شده که مرجع تحقیق مقدماتی (اخیراً بازپرس) اقدام به صدور دستور توقیف نشریه بدون تعیین مدت می‌نماید با موازین قانونی انطباق ندارد و طولانی شدن مدت توقیف بدون تعیین تکلیف چنان‌که هم‌اکنون در مورد حدود ۵۰ نشریه وجود دارد، ضمن مغایرت با قانون مطبوعات به شرح گفته شده و نداشتن مجوز قانونی در سایر مقررات علاوه بر داشتن پیامدهای تضییع حقوق شغلی و حرفه‌ای عده‌ای از اصحاب مطبوعات، موجب محدود شدن ناموجه آزادی بیان و قلم می‌شود که با قانون اساسی ناسازگار است و لازم است برای این موضوع چاره‌اندیشی لازم صورت گیرد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی